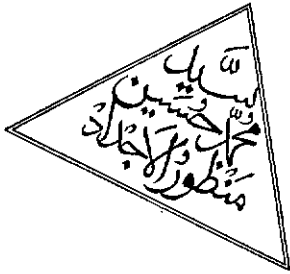


سند بزرگان  
 و حواصت نمودن  
 با و غیر از این سند  
 هرگاه سایر اسناد  
 در خصوص زمین  
 در این منطقه  
 مشاهده شود  
 باید به این سند  
 رجوع کرد  
 و در صورتیکه  
 سند دیگری  
 مشاهده شود  
 باید به این سند  
 رجوع کرد  
 و در صورتیکه  
 سند دیگری  
 مشاهده شود  
 باید به این سند  
 رجوع کرد

بررسی اسناد قتل صنایع الدوله بیشتر به انجام  
 رسید. در ضمن اسناد دیوان محاکمات وزارت  
 امور خارجه که به شماره تنظیم ۱۳-۹۱۰۴ در  
 سازمان اسناد ملی ایران موجود است، اسناد  
 دیگری نیز، از وی به جاست که چکیده آنها را  
 ارائه خواهیم داد. این اسناد مربوط به اختلافات  
 حقوقی او با اتباع دیگر کشورهاست که جز  
 چندین سند پراکنده، عمده ترین بخش آن را  
 دعاوی مالی طومانیانس، محمدفایداوغلی تبعه  
 عثمانی و رودلف ولفینگس ادر مهندس اتریشی  
 تشکیل می دهند. محاکمات برای حل و فصل  
 اختلافات مالی طومانیانس و ورثه صنایع الدوله  
 مدتها تلاش کرد اما سرانجام کار، در اسناد  
 موجود منعکس نیست. با بررسی دعاوی  
 فایداوغلی، از نحوه حل اختلافات حقوقی در  
 زمینه مسائل صنعت و معدن آگاه خواهیم شد.  
 حل و فصل اسناد پراکنده: اختلاف ملکی  
 صنایع الدوله و سیدمهدی محنا، فروش زمین،  
 شکایت صنایع الدوله از مهدی صادق قفقازی و  
 شکایت سیدسلیمان عرب تبعه عثمانی از  
 مخیرالسلطان خواهرزاده وی، چهار موضوع  
 مطرح شده در اسناد پراکنده است که بر اسناد  
 دیگر تقدم زمانی دارند.  
 متن نخستین سند از این اسناد چنین است:  
 «در باب زمین قناس متصل به خندق که مابین  
 جناب مستطاب اجل اکرم آقای صنایع الدوله دام  
 اقباله و جناب آقا سیدمهدی محنا مذاکره بود  
 امروز که ۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ است در مجلس

محاکمات قرار بر این داده شد که خبره طرفین  
 رفته قیمت عادلانه زمین قناس را معین نمایند بعد  
 از آن که قیمت عادلانه آن معلوم شد در مجلس  
 دیگر قرار مبیعه داده می شود و جناب مستطاب  
 معظم هم چون آقا سیدمهدی محنا خیلی خرج  
 شن برداری زمین مزبور را نموده اند تفاوتی در  
 قیمت منظور خواهند فرمود.» این سند را اسدالله  
 مشارالسلطنه، و مینورسکی و ظاهراً بدرالملک  
 امضاء کرده اند و مهر مخیرالسلطان به نقش  
 ناصرقلی حسینی نیز در حاشیه سند دیده  
 می شود. و چنین پیداست که نماینده صنایع الدوله  
 در این محاکمه بوده است.  
 سواد سند دیگری نیز در دست است که در  
 ظهر آن نوشته اند «از سفارت اتازونی رسیده  
 است در باب ادعای جعفرخان معمار» و از متن  
 آن بر می آید که در سال ۱۳۰۳ «مرتضی قلی خان  
 صنایع الدوله معادل مساحت ششصد ذرع زمین  
 که پنج ذرع عرض و یکصدویست ذرع طول»  
 دارد به دو تن که اسامی آنان را یا طر صاحب و  
 طرائس صاحب نوشته شده اند به مبلغ دوست  
 تومان فروخته که حدود این زمین به شرح زیر  
 بوده است: جنوبی، به ملک متصل الحان، غربی،  
 به خیابان قزاق خانه، شرقی و شمالی، به ملک  
 مصالح و تذکر داده اند که سند اصلی «به مهر  
 شیر و خورشید دولتی در نمره ۱۹۱ نیز رسیده  
 است.»  
 گذشته از این دو تک سند، دو مجموعه دیگر  
 در این بخش وجود دارد. یکی شکایت



# اسناد حقوقی صنیع الدوله

اعظم» است. با این یادآوری، رئیس محکمه ضمن بیان این جمله که «گمان نمی‌کنم یک مطلب سری در میان باشد» دستور داد سیدسلیمان تا پایان سخنان مخبر السلطان «در اطاق دیگر» باشد.

سخن مخبر السلطان این بود که صنیع الدوله به حاجی میرزا علی صراف بدهکار است، گروهی داده منکر هم نیست «اما در زمان استبداد معمول آقایان تجار این بود که سادات شرور را درب حجره‌شان نگاه می‌داشتند و برای مطالبه به در خانه عمرو و زید می‌فرستادند به سختی و افتضاح پول وصول می‌کردند در این موقع هم بدبختانه همین اتفاق افتاده است که حاجی میرزا علی روزی دو قران به این سید بیچاره می‌دهد و چون سید از قواعد جاریه هر مملکتی عاری و بری است تصور می‌کند حکم میرزا علی صراف حکم خداست» و به دستور حاجی صراف یک هفته «صبح و ظهر و عصر و شب» به منزل صنیع الدوله آمده و «بدون رعایت اینکه صنیع الدوله وزیر یک مملکتی است، ممکن است یک خلوتی جلسه‌ای باشد» وارد اتاق شده مطالبه پول می‌کرد. شب چهارشنبه «هفت روز قبل» هم یک ساعت از شب گذشته وارد اتاق صنیع الدوله شده «در حالتیکه اقلاده نفر در آن مجلس حضور داشتند گفت: به حکم حاجی میرزا علی صراف آمده‌ام اینجا» و تا از شما پول نگیرم نمی‌روم. صنیع الدوله تلفنی با صراف تماس گرفته صحبت کرد و به درخواست

اقتضا نداشته» ابدأ حرفی نمی‌زند و اسم پول نمی‌آورد. «در وسط قلیان» صنیع الدوله برخاسته به اندرون رفته و او به خیال آنکه به زودی باز می‌گردد همچنان در انتظار نشسته است و چون از بازگشت او خبری نمی‌شود سلیمان «به اندرون» پیغام داده پاسخ شنیده «که برو حالا پول نیست» اما چون دیر وقت بوده و چشمش شبها نمی‌دیده اسم شب هم نداشته، با موافقت صنیع الدوله شب در خانه او می‌ماند و پذیرایی می‌شود. روز بعد «سراف‌تاب» مخبر السلطان از اندرون بیرون آمده «فرمودند شما چه می‌خواهید؟ گفتیم: تا صنیع الدوله را ببینم و تکلیف را معین» کنم. مخبر السلطان بدون اعتنا بدین پاسخ، از کمیسری «پولیس» خواسته «آدمشان و خودشان و پولیسا کشان کشان» سلیمان را تا سر خیابان و از آنجا به اداره عدلیه برده بازداشت کرده‌اند. و پس از «دو ساعت» مخبر السلطان آمده او را مرخص کرده است. پس از آنکه او صحت نوشته اظهارات خود را با مهر بیضی شکل خود به نقش سلمان الحسینی تأیید کرد مخبر السلطان به پاسخگویی برخاست؛ نخست به رئیس محکمه تذکر داد که این محاکمه حقوقی نیست و در محاکمات جزایی می‌بایست هر یک از طرفین جداگانه بازرسی شوند و اگر این جلسه برای استنطاق است حضور سیدسلیمان به هنگام پاسخگویی وی و حضور خود او در وقت سخن گفتن سید خلاف «معمول دول متدنه عالم و معمول امروزه ایران در عدلیه

سیدسلیمان از خواهرزاده صنیع الدوله است، در دوازدهم ربیع الثانی سال ۱۳۲۸ ق. سیدسلیمان عرب تبعه عثمانی به محاکمات شکایت می‌کند که وقتی برای وصول طلب حاجی میرزا علی صراف از صنیع الدوله به خانه او رفته بود، ناصرقلی مخبر السلطان به وی «بی‌احترامی کرده و دو ساعت هم در عدلیه حبس شده است. از آنجا که مخبر السلطان رئیس تفتیش عدلیه بوده محاکمات طی نامه‌ای به عدلیه، زمان تشکیل جلسه رسیدگی را اعلام کرده می‌خواهد که مخبر السلطان در محکمه حاضر شود. از «وزارت عدلیه اعظم» پاسخ می‌دهند که وی برای محاکمه حاضر است «ولی مراعات این نکته هم لازم است چنانچه آقا سیدسلیمان عرض خلافی کرده باشد بعد از رسیدگی باید مجازاتی هم برای او معین شود.» روز ۱۷ ربیع الثانی جلسه‌ای برای رسیدگی به این شکایت تشکیل می‌شود. سیدسلیمان در توضیح «ادعای شرف» خود می‌گوید که شاگرد حاجی میرزا علی صراف است، و صنیع الدوله در ازای طلب میرزا علی صراف حواله‌ای به مبلغ ۲۵۰۰ تومان برعهده طومانیان صادر کرده بود، اما طومانیان می‌گوید پولی که صنیع الدوله در مشهد داشته هنوز وصول نشده چند روز او را معطل کرده، سرانجام از پرداخت مبلغ حواله خودداری می‌کند. حاج میرزا علی حواله را به وی داده برای آنکه «تکلیف را معین» کند به خانه صنیع الدوله می‌فرستد. وی به آنجا می‌رود و چون «مجلس

میرزا علی صراف گوسی را به دست سید دادند، و او باز تأکید کرد که در خانه صنایع الدوله بمان و تا پول نگرفته‌ای خارج مشو. «سید هم از پای تلفن کنار آمد و گفت: محال است بروم اربابم به من چنین حکم کرده است.» صبح روز بعد صنایع الدوله از مخبر السلطان پرسید «قانون مملکت شما و عدلیه شما» در مورد این سید چیست؟ پاسخ شنیده که «قانون مملکت قانون اسلام است و قانون عدلیه هم قانون اسلام و به موجب آیه قرآن هیچ کس نمی‌تواند داخل خانه کس بشود مگر به اجازه صاحب‌خانه<sup>۱</sup> و قانون اساسی تصریح می‌کند که به خانه کس نمی‌توان وارد شد مگر به حکم قانون» و لذا برای پیرون کردن سید از راه قانونی وارد شده پلیس آورده که این آدم را از خانه خودش خارج کند، اما چون با فحاشی سید روبه‌رو شده دستور داده او را به نزد مدعی العموم یا نظمی ببرند و نمی‌دانسته سید تبعه عثمانی است و وقتی به عدلیه آمده سید را نزد مدعی العموم دیده دوباره با گستاخی و بی ادبی او روبه‌رو شده و وقتی منصور السلطنه مدعی العموم رسیده سید شکایت کرده اما او سخن سلمان را نپذیرفته اظهار داشت که «تو را می‌شناسم و گول<sup>۲</sup> خورده‌ای والا این حرکت بی‌فایده را انجام نمی‌دادی» و این مرتبه به وزارت امور خارجه حرفی نمی‌زنم اما اگر تکرار شود «از سفارت کبریا استدعا خواهم کرد که شما را از خاک ایران خارج بکنند.» مخبر السلطان فهمیده سید «تبعه خارجه است» و به خواهش مدعی العموم از «غلط کاری» او صرف نظر نموده بود، اما اکنون چون به تحریک حاجی میرزا علی طرح شکایت کرده، می‌خواهد که به جرم فحاشی و «بی‌احترامی» مجازات شود، او نیز صحت نوشته اظهارات خود را با مهر تأیید می‌کند. نقش مهر بیضی شکل او ناصرقلی‌الحسینی است که به خط طغرا نوشته شده است.

سیدسلیمان در پاسخ به سؤالات دیگر رئیس محکمه اظهار داشت که سرزده به اتاق صنایع الدوله نرفته، و اصلاً صنایع الدوله «توی اتاق نبود و در باغ بودند و خلوت هم نبود» فحاشی و بدگویی هم نکرده است و چون وقت گذشته بود و اسم شب نداشت و چشمانش علیل است و «شب نمی‌بیند» در خانه صنایع الدوله مانده، و صبح روز بعد هم بدون اینکه چیزی بگوید پلیس آمده او را به عدلیه برده‌اند و آنجا به مدعی العموم هم گفته که «از طرف حاج میرزا علی صراف آدم».

جلسه بدون نتیجه به پایان می‌رسد، دو روز بعد از محاکمات به عدلیه می‌نویسند: قرار محکمه این شد که مخبر السلطان «روز پنجشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی سه ساعت به غروب مانده» با شهود

خود در محکمه حاضر شود و می‌خواهند که اگر وی «شهودی غیر از اجزاء محاکم و اجزاء شخصی جناب صنایع الدوله دارند، در روز مزبور در محاکمات حاضر نمایند.»

مخبر السلطان پاسخ می‌دهد: «هیچ معلوم نیست که چرا باید شهود جعل بکنم دو ساعت از شب گذشته در خانه خودم جز اجزاء شخصی و بعضی از اقوام، کس دیگری نبوده، در دیوان‌خانه هم هیچ کسی نمی‌تواند شهادت مدعی عموم را قبول بکند<sup>۳</sup> چند نفری هم که از خارج بودند می‌آورم برای شهادت.»

چنین پیداست که نامه عدلیه مشتمل بر پاسخ وی دیر به محاکمات رسیده لذا در تاریخ ۲۴ ربیع‌الثانی «با حضور تاجرباشی» عثمانی توافق گردید روز پنجشنبه اول جمادی‌الاول دو ساعت از ظهر گذشته «طرفین حاضر شده رسیدگی به عمل آید» از تشکیل یا عدم تشکیل این جلسه خبری در دست نیست اما در تاریخ ۲ جمادی‌الاول محاکمات طی نامه‌ای از صنایع الدوله می‌پرسد که آیا مخبر السلطان به دستور وی «متعرض سیدسلیمان» شده یا در آن خانه سهیم بوده است؟<sup>۴</sup> صنایع الدوله بر روی اوراق رسمی «وزارت معارف و اوقاف و فواید عامه» پاسخ می‌دهد که «اولاً مخبر السلطان به وانطقه والدهاش در آن خانه‌ها سهیم و شریک است، ثانیاً چون مطابق قوانین جاریه تمام عالم و قانون جاری عادی این مملکت سید حق نداشت که به خانه من آمده شب بماند و مزاحم حال من شود، با مشورت مخبر السلطان متارالیه را به توسط پولیس از خانه به بیرون رفتن مکلف نمودیم و در این معامله خلاف قانون واقع نشده بلکه سید پاداش رفتار بی‌قانون خود را دیده و البته آن محکمه شریفه هم مجازات قانونی او را معین خواهند کرد.»<sup>۵</sup> چنین پیداست که محاکمات پس از دریافت پاسخ صنایع الدوله اعتنایی به سیدسلیمان نکرده لذا آخرین سند این مجموعه نامه سیدعرب به «جناب جلالتماب اجل نماینده سفارت کبرای علیه عثمانیه مذطله‌العالی» است که طی آن «تظلم می‌نماید» که اصلاً با مخبر السلطان «طرف حساب نبوده» و او وکالتی هم از کسی نداشت که وقتی وی در خانه صنایع الدوله بوده «پولیس و آدم خود را» بفرستد و «بدون سوال و جواب کشان کشان» وی را برده «بدون احضاری و محاکمات در دیوان‌خانه عدلیه سه چهار ساعت» توقیف نماید و می‌پرسد که «آیا بنده خلاف شرع یا دزدی و شرارتی کرده بودم یا به کسی بدهکار بودم یا عارض داشتم یا بی‌قانونی رفتار کرده بودم که اینطور در این دوره مشروطیت هنک احرام و شرف سیادت بنده را [یکند] و ببرد» و می‌افزاید «استدعا چنان است که قانوناً از خود شخص

مخبر السلطان سؤال و استنطاق فرمایند که برای چه اینطور اهانت و خفت و خواری را بر بنده روا داشته تا احقاق حق به عمل آمده آسوده دعاگو باشد» و سخن آخرش این است که «بنده تا جان دارم قانوناً دست‌بردار نیستم تا رسیدگی و استنطاق شود.» این نامه جزو اسناد دیوان محاکمات است و به نظر می‌رسد از سفارت عثمانی به وزارت امور خارجه ارسال شده باشد،<sup>۶</sup> لیکن از اقدامات بعدی محاکمات سندی در دست نیست.

مضمون دومین سند این بخش چنین است: مشهدی صادق مجاهد قفقازی بی‌اجازه صنایع الدوله و بدون پرداخت اجاره در «یک باب عمارت» وی منزل کرده بود. صنایع الدوله از نظمی خواست خانه را تحویل او دهند. نظمی طی نامه‌ای به محاکمات ضمن بیان تقاضای او درخواست کرد یا نماینده‌ای بفرستد تا «با مأمور این اداره رفته اسباب را در جایی توقیف و محفوظ داشته، خانه را به تصرف ایشان [صنایع الدوله] بدهند یا اگر به ترتیب دیگری باید رفتار نمود مراتب را مرقوم فرمایند که از همان قرار رفتار و به جناب معزی‌الیه نیز جواب داده شود»<sup>۷</sup> محاکمات در پاسخ به این نامه، نخست در مورد علت و نحوه سکونت مشهدی صادق در خانه مذکور پرسشهایی را مطرح می‌کنند: آیا مشهدی صادق خانه را اجاره کرده یا خیر، «اگر اجاره کرده به تنهایی اجاره کرده با رفقای او هم شرکت در اجاره داشته‌اند یا بدون اجاره به آنها واگذار نموده بودند برای سکونت»، سپس می‌خواهد مشخص کنند که «این مشهدی صادق کجایی است و فعلاً در چه محل است تا پس از توضیح، تکلیف اقدام آن معلوم شود»<sup>۸</sup> از نظمی پاسخ می‌دهند که از صنایع الدوله استعلام شد «اینطور مرقوم داشته‌اند که خانه مزبور را مشهدی صادق بدون اجاره و اجاره منزل کردند و حالا تخلیه آن را می‌خواهند» و می‌افزایند: «محض اطلاع آن اداره جلیله زحمت داده شد که به هر ترتیب مقتضی است مقرر دارند خانه را تخلیه و به تصرف جناب معزی‌الیه داده استرضای ایشان فراهم شود.»

چنین پیداست که این مشهدی صادق قفقازی مجاهد هموست که به هنگام خلع سلاح مجاهدین در پارک اتابک (۳۰ رجب ۱۳۲۸ق) به همراه عبدالحسین خان معز السلطان «به شمیران شنافته در سفارت عثمانی بست نشست»<sup>۹</sup> و کسروی از کینه‌ورزی وی به حیدرخان عمواغلی یاد کرده است،<sup>۱۰</sup> و چندین و چند ماه بعد نام وی در ماجرای ترور تیمور پسر عموی حیدرخان - که روز پنجشنبه ۲۳ صفر ۱۳۲۹ق. وقوع یافت - به میان می‌آید.<sup>۱۱</sup> ظاهراً با توجه به شأن و موقع او در بین

مجاهدین، محاکمات جرات اقدام نیافته ضمن بیان ماجرا، از معاون کل وزارت امور خارجه نظر می‌خواهد.<sup>۱۳</sup> پاسخ این مقام در دست نیست و آخرین سند این مجموعه نامه دیگر نظمی به محاکمات است که طی آن نوشته‌اند: «دو مرتبه در باب خانه متعلق به جناب... آقای صنیع الدوله که متهدی صادق چند ماه نشسته و بدون اجاره‌نامه و کرایه، منزل کرده شرحی عرض شده که حالا تخلیه آن را می‌خواهند؛ تاکنون مساعدنی نشده و آقای صنیع الدوله جداً تخلیه خانه را می‌خواهد و حق هم دارند» و تذکر می‌دهند که اگر این بار هم «تکلیف را معین نفرمایند اداره نظمی مجبور است که خانه را تخلیه نموده به تصرف ایشان بدهد.»<sup>۱۴</sup> از فرجام کاری خبریم اما این اسناد بیانگر این نکته است که مجاهدین فنانح تهران، پس از براندازی سلطنت محمدعلی شاه، رابطه خود با مردم این شهر را بر اساس زور قرار داده بودند و حتی کسی در مقام صنیع الدوله - عضو مجلس عالی، هیت‌مدیر و کابینه وزراء - نیز از تعدیات آنان در امان نبود. در بررسی تاریخی واقعه پارک اتابک توجه به این نکته ضروری است.

در این بخش می‌بایست تنها به معرفی ۴ برگ سند دیگر پرداخت که حاکی از بدهی صنیع الدوله به بانک استقراضی روس است ولی میزان این قرض را مشخص نمی‌کند. روز چهارم جمادی‌الاول سال ۱۳۲۹ ق. از محاکمات نامه‌ای به مخیرالملک می‌نویسند که برای حل و فصل دعاوی مالی بانک استقراضی، «هیئتی از طرف دولت» تعیین شده و نوبت رسیدگی به «مسئله مطالبات و محاسبه» بانک «با مرحوم غفراناب صنیع الدوله طاب‌الله تراه» روز پنجشنبه پنجم همان ماه است، و می‌خواهند که وکیل ورته با «صورت حساب و اسناد» لازم «سه ساعت بعد از ظهر روز مزبور» در مجلس حاضر گردد.<sup>۱۵</sup>

مخیرالملک پاسخ می‌دهد که تا زمان دریافت نامه محاکمات از «وجود همچو محاسبه‌ای» اطلاع نداشته است، و بانک هم مستقیماً اقدام نکرده بود، لذا در صدد جمع‌آوری اسناد هم نبوده است که بتواند وکیل ورته را با اسناد و اطلاعات لازم بفرستد؛ «از کم و کیف این حساب» هم بی‌خبر است و درخواست می‌کند: «مقدماً معلوم دارند که ادعای بانک چی است تا چنانچه ممکن شود بانک را مستقیماً متقاعد» کند، و اگر چنین نشد «به توسط» وزارت امور خارجه «قراری داده شود که موجب آسایش طرفین باشد» و ظاهراً افزون بر نوشتن این نامه مخیرالسلطان را هم به عنوان وکیل قسیم ورته به محاکمات می‌فرستد چراکه نامه‌ای به تاریخ ۷ جمادی‌الاول از محاکمات به مخیرالسلطان در

دست است و طی آن از وی خواسته‌اند وکالت‌نامه رسمی خود و «اسناد و نوشتجات و اطلاعات راجعه به عمل محاسبه با بانک» را حاضر کرده، در جلسه‌ای که «چهار ساعت به غروب مانده» روز سه شنبه دهم همان ماه در محاکمات تشکیل می‌گردد، ارائه دهد.<sup>۱۶</sup> از سایر اسناد و نوشته‌ها در پرونده اثری نیست و تنها وکالت‌نامه رسمی مخیرالسلطان در دست است که طی آن محمدفلی خان مخیرالملک به وی وکالت داده تا «در خصوص دعاوی بانک استقراضی، جوابهای لازم را بدهد.»<sup>۱۷</sup>

بررسی مجموعه‌های دیگر را با شرح و تفصیل دعوی مالی محمدقایدوغلی تبعه عثمانی بر صنیع الدوله آغاز می‌کنیم، که حل و فصل آن بیش از دو سال به طول انجامید و از آن، پرونده‌ای مشتمل بر یکصد و سه برگ در دست است.

نخستین نامه این مجموعه، از فریدبیک قونسل عثمانی است که روز ۱۵ محرم سال ۱۳۲۹ ق. به محاکمات نوشته؛ محمدقایدوغلی به «دولت علیه عثمانیه» شکایت کرده کنتراتی برای حفر معدن بین او و صنیع الدوله منعقد شده است، او ۱۲۴۲ تومان خرج کرده و از این مبلغ تنها ۲۰۳۱۵ تومان دریافت کرده است و صنیع الدوله در پرداخت مابقی وجه تعلل می‌نماید، قونسل می‌خواهد که «موافق کترات موجود آنها رسیدگی کامل» به عمل آمده، «بقیه حقوق محمد را که به عملجات و غیرها مدیون است گرفته مسترد دارند»

پنج روز بعد از محاکمات شرح شکایت را به صنیع الدوله می‌نویسند و می‌افزایند: چنانچه «اظهارات قایدوغلی را صحیح می‌دانند مقرر فرمایند بقیه وجه مزبور را به توسط محاکمات به

او عاید دارند. والا یک نفر وکیل ثابت الوکاله به محاکمات بیاید که جواب طرف را بدهد و نیز تفصیل قضیه را مرقوم فرماید [تا] استحضار حاصل آید» این جمله هم با جوهری به رنگ دیگر، اضافه شده است: «شاید بی‌حضور وکیل هم بتوان جواب طرف را داد.»<sup>۱۸</sup>

صنیع الدوله، روز ۲۹ محرم ۱۳۲۹، بر روی کاغذ مارک‌دار وزارت مالیه پاسخ داده که گمان می‌کند «اگر قدری در موضوع ادعا تأمل بفرمایید حل مسئله مشکل نباشد و حاجت به تعیین وکیل و مذاکره طولانی نیست. بنابراین بوده که قایدوغلی برای وی در کوه «احداث یک گالری نماید که معبر باشد برای بیرون آوردن سنگ معدن» و معلوم است که اگر این کار شده بود «مساحت فضای گالری کمال سهولت را داشت. عرض و ارتفاع و طول آن را که معین می‌کردند معلوم می‌شد که چند ذرع مکعب سنگ کنده شده است» و قیمتی که در قرارداد معین شده و بر اساس ذرع مکعب است، پرداخت می‌شد. «اما در عمل کندن گالری میسر نشده» فقط در چند نقطه از سینه کوه مقداری سنگ کنده شده است و دیگر تعیین مساحت آن از روی ذرع مکعب ممکن نیست و «تشخیصی که راه‌ساز اطریشی کرده است مرا قانع نمی‌کند ولی چون آنچه کنده شده است سنگ است نه برف که آب شده باشد و از آن هم چیزی به جای دیگر حمل نشده است لهذا عوض مساحت مکان کنده شده، سنگ کنده را می‌توان در کمال سهولت مساحت نمود به این ترتیب که از خارج معین است که یک ذرع مکعب هر قسم



سنگی چقدر وزن دارد. مثلاً اگر معین شد این سنگی که کنده شده است ذرعی ده خروار وزن دارد همین قدر لازم خواهد بود که سنگهای کنده را وزن نمایم و هر ده خروار را یک ذرع مکعب به حساب بیاوریم. به این قسم بدون آنکه هیچ اختلافی حاصل شود تا عشر ذرع مکعب را می توان به دقت تعیین نمود.» و می افزاید که «محمدقایدوغلی تمکین این ترتیب را ندارد و می گوید هر چه من می گویم شما باید پول بدهید، و اینجانب می گویم هر چه تحویل دادی پول می دهم و اصل اختلاف اینجاست» و چنین نتیجه می گیرد که هرگاه محمد حاضر شد سنگ کنده را تحویل دهد «دیگر اشکالی باقی نمی ماند» و می نویسد که برای تعیین وزن یک ذرع مکعب سنگ تشخیص موسیو دو بروک را قبول دارد، آخرین سخنش هم این است یعنی پس از تعیین وزن و حجم سنگهای کنده شده «معلوم می شود پول زیادی گرفته یا کم.»<sup>۱۱</sup>

به دلیل نرسیدن پاسخ صنایع الدوله، در تاریخ ۲۷ محرم نامه ای دیگر از محاکمات به وی نوشته و تذکر دادند که «سفارت عثمانی همه روزه در این باب تکرار شکایت می نماید و اجرای مدلول کترات فوق را می خواهد»، و از وی می خواهند که «هر چه زودتر به این عمل» پایان دهد که «رفع تصدیق بشود.»

ظاهراً گرفتاریهای اداری مانع از آن شد که صنایع الدوله - وزیر مالیه - به این نامه پاسخی دهد و چند روزی پیش نگذشته بود که وی به قتل رسید. (۴ صفر ۱۳۲۹ ق.) از آن پس سروکار محاکمات با ورثه صنایع الدوله افتاد.<sup>۱۲</sup> محمدقلی خان مخبرالملک قیم صغار ورثه بود، و ناصرقلی مخبرالسلطان به عنوان نماینده ورثه طرف گفتگو واقع شد و با شرکت همو در تاریخ ۱۶ صفر جلسه ای در محاکمات تشکیل شد و فرار گذاشتند که قیم وکیل ورثه و قایدوغلی هر یک نماینده ای تعیین کنند که با نماینده محاکمات شور کرده قراری برای حل و فصل این دعوا بگذارند و محاکمات ملزم به اجرای نظر اکثریت آنان باشد. از سوی خاندان هدایت، عباسقلی خان و از جانب محاکمات مسیودوبروک «مهندس دولتی»، و از طرف قایدوغلی مسیورودلف مهندس تعیین شدند که به همراه «عیسی و آقاخان آجودان محاکمات» به محل عزیمت کرده «به دقت» رسیدگی نموده گزارش کتبی به محاکمات ارائه دهند. حاشیه این قرارنامه را چند تن از جمله قایدوغلی و مخبرالملک مهر کرده اند.<sup>۱۳</sup>

ظاهراً مخبرالسلطان پذیرفته بود که ورثه صنایع الدوله علی الحساب مبلغ ۵۰ تومان به قایدوغلی بپردازند تا «عجالة قدری از بابت امر معاش آسوده شود»، ولی این وعده تحقق نیافت

و لذا محاکمات در ۱۸ صفر از وی خواست که نسبت به ارسال این پول اقدام کند.<sup>۱۴</sup> وی پاسخ داد این مطلب را به مخبرالملک گفته ام «می فرمایند در صورتی که نتیجه محاکمه معلوم نیست و بنده علم دارم که کارگرها طلب کار هم نیستند بطور مال صغیر را بدهم و بعد از که بگیرم، در صورت بی حقی آنها» و می خواهد که تا «استنطاق قاتلین مرحوم غفران پناه صنایع الدوله در وزارت خارجه مطرح است، در خصوص کارهای آن مرحوم» او را احضار نکنند که «به دلایلی چند» نمی خواهد در محاکمات وزارت امور خارجه حاضر باشد.<sup>۱۵</sup>

کار اعزاز «مصدقین» به تعویق می افتد و در این میان قرارداد کاری صنایع الدوله و قایدوغلی مربوط به ۱۶ ژوئیه ۱۹۱۰م ۹ رجب ۱۳۲۸ ق. چنین ترجمه می شود:

«ماده اول - این جانب محمدکایاوقلی باز کردن معدنی را که در نزدیکی شاهزاده عبدالعظیم واقع است به ارتفاع دو متر و به عرض یک متر و نیم به انضمام برداشتن خاک و سنگ را تا دهانه معدن برعهده می گیرم. عمق کار تا نقطه ای خواهد بود که استخراج فلز موجود صرف داشته باشد.»

ماده دوم - این جانب محمدکایاوقلی انجام این کار را با کارگران و اسباب و لوازم خود برعهده می گیرم و مسئولیت اتفاقات ناگوار که در حین باز کردن معدن بیفتد از قبیل بی احتیاطی کردن در استعمال مواد احتراقیه و غیره نیز بر عهده این جانب است.

ماده سیم - این جانب محمدکایاوقلی ملتزم می شوم عیناً مطابق دستور العملهای علمی رفتار نمایم والا اداره علمی کار حق مواخذه خواهد داشت و هرگاه اداره مذکوره تا سه بار مجبور به مواخذه گردد حق گرفتن کار را از من خواهند داشت.

ماده چهارم - این جانب محمدکایاوقلی ملتزم می شوم برای باز کردن این معدن عده کارگران را به اندازه ای قرار دهم که اقلاً تا چهل و پنج روز به اقل عمق برسیم.

ماده پنجم - جناب صنایع الدوله ملتزم می شوند به این جانب محمدکایاوقلی برای هر متر مکعب که از دامنه کوه کنده و خالی نمایم مبلغ ۱۵ قران کارسازی دارند و ابتداءً یعنی در موقع انعقاد این کترات نیز به محمدکایاوقلی مبلغی به عنوان مساعده بپردازند. ترتیب تأدیه این طور خواهد بود که هر سی متر مکعب که حفر گردید اجرت آن را خواهند پرداخت، و از بابت مساعده ای که داده شده است از هر قسطی که پرداخته می شود بیست درصد کسر خواهند گذاشت.

ماده ششم - میزان تعیین اجرت زاشن و مطر خواهد بود و هر زاشن مکعب معادل است با

نه متر مکعب بنابراین اجرت حفر هر زاشن مکعب ۱۳۵ قران خواهد بود.» امضاء مرتضی قلی خان صنایع الدوله چون اصل این قرارداد در دست نیست نمی توان دانست که به چه زبانی نوشته شده بود. محمد صورت حساب بخشی از کار انجام شده را «موافق نرخه ای که با جناب صنایع الدوله طی شده» بود چنین ارائه داد:

۱. سنگ کاری برای ساختن راه ۷۴/۷۲ متر مکعب از قرار ۹۱/۴۵ قران = ۷۰۶/۱۰ قران

۲. خاک مخلوط ۲۱۹/۰۵ متر مکعب از قرار ۳/۴۰ قران = ۷۴۴/۸ قران

۳. دیوار پشتیبان ۱۰۶/۱۶ متر مربع از قرار ۲/۷۰ قران = ۲۸۶/۶۳ قران

۴. ترکاندن کوه برای رسیدن به معدن ۱۳۸/۳۲ متر مکعب از قرار ۹/۴۵ قران = ۱۳۰۷/۸۰ قران

۵. عملجات برای بلند کردن خاک ۲۲ نفر از قرار نفری ۳ قران = ۶۶ قران

جمع ۳۱۱/۶۳ قران.

او همچنین وجوه دریافتی خود «از بابت کارهای شاهزاده عبدالعظیم و امامزاده داود» را اینگونه صورت داده: «توسط تومانیانس ۷۰۰ قران، ایضاً ۳۳۰ قران، ایضاً ۳۵۰ قران و توسط رضاقلی خان ۱۰۰ قران، جمعاً ۱۴۸۰ قران» و می نویسد: «این مبلغ موافق قراردادی که با حضرت اجل به عمل آمد، تفریح گردیده است.»

از بابت کارهای پس قلعه هم در چهار نوبت از سوی رضاقلی خان به ترتیب ۵۰، ۲۵۰، ۲۵۰، ۳۳۰ قران بدو پرداخت گردیده و یک بار هم از «برادر ناظر» ۳۵۰ قران دریافت کرده است، که جمعاً ۱۳۳۵ قران بوده و با این حساب او تنها برای بخشی از کار ۱۷۷۵ قران طلبکار بوده است.

پس از ترجمه کترات نامه و صورت حساب محمدقایدوغلی، قوامالتجار که یکی از شهود قرارنامه محاکمات برای اعزام مصدق بوده، از عدم اعزام نمایندگان شکایت می کند. از محاکمات وعده می دهند که این کار به زودی انجام خواهد گرفت<sup>۱۶</sup> و نامه ای به وزارت فواید عامه نوشته می خواهند «مسیودوبروک تهیه حرکت خود را به نقطه مزبوره دیده» به اتفاق مصدقین طرفین به آنجا عزیمت نمایند<sup>۱۷</sup> و به مخبرالملک هم می نویسند که به نظر محاکمات طلب قایدوغلی بیش از پنجاه تومان است و «اگر تصویب بفرمائید عقیده محاکمات این است که این پنجاه تومان داده شود که زیاد از اندازه بریشان است»، و می افزایند «با وزارت معارف قرار حرکت مسیودوبروک را داده است، خواهشمند است قدغن فرمائید برای روز چهارشنبه ۲۹ [صفر] دو ساعت قبل از ظهر

لوازم این کار تهیه شود که حرکت نمایند، و بیش از این محمدقاید او قلی اسباب زحمت محاکمات و اصرار سفارت عثمانی و تصدیع حضرت عالی را فراهم نیاورد.»<sup>۲۶</sup>

نامه‌ای هم به وزارت فوائد عامه نوشته می‌شود و طی آن قرار حرکت مصدقین را برای روز آخر ماه صفر می‌گذارند، و می‌خواهند که «روز پنجشنبه، سلخ، چهار ساعت به ظهر مانده» مسیودوبروک در خانه صنیع الدوله حاضر شود تا به اتفاق سایر مصدقین و مأمور وزارت امور خارجه به محل مزبور روند و در پایان افزوده‌اند، «بدیهی است دیگر به تعویق نخواهد افتاد»<sup>۲۷</sup> اما حرکت آنان، به تعویق افتاده است زیرا حضور مسیودوبروک برای شرکت در جلسه مورخ ۲۹ صفر کمیته امتیازات لازم بوده و روز سی‌ام هم نمی‌توانسته حرکت کند، چراکه می‌بایست نخست از سابقه ماجرا آگاه شده «بداند برای چه کاری باید برود.»<sup>۲۸</sup>

محاکمات عذر دوبروک را پذیرفته به مخبر السلطان می‌نویسد که روز شنبه ۲ ربیع‌الاول «سه ساعت بعد از ظهر» عباسعلی خان «مصدق وصی» صنیع الدوله را به محاکمات بفرستد تا «مذاکرات لازمه با سایر مصدقین بکند»<sup>۲۹</sup> به نمایندگی قاید او غلی هم که به احتمال زیاد و لفلینگس ادر مهندس اتریشی طلبکار از صنیع الدوله بوده نیز اعلام می‌کنند که به محاکمات بیاید. از مسیودوبروک هم چنین خواهشی می‌شود. اما این جلسه ظاهراً تشکیل نشده زیرا از مخبر السلطان و عباسعلی خان خواسته‌اند روز پنجشنبه ۷ ربیع‌الاول در محاکمات حاضر شوند «که با حضور مصدق محمدقاید او قلی بعضی مذاکرات لازمه به عمل آید.» در روز مذکور، چون جلسه محکمه تشکیل شد، از مخبر السلطان پرسیدند آیا شما از طرف وراث صنیع الدوله و کالت دارید مذاکره کنید یا نه. می‌گوید نامه‌ای از طرف محکمه به من رسید که «با آقای عباسعلی خان مجد السلطان دو به ظهر مانده امروز در این محکمه حاضر شوم» و مشخص نشده بود که محاکمه است یا تعیین وقت «رفتن به سر معدن»، لذا وکالت‌نامه ندارم ولی به موجب یادداشت سفارت عثمانی که در این مورد جای عرض حال قاید او غلی را گرفته، او بر اساس کترات منعقد بر صنیع الدوله ادعایی دارد و اگر وی «در کوه‌های نزدیک حضرت عبدالعظیم گالری کنده است بیاید تحویل بدهد. البته ورثه حاضرند برای اینکه امضای مرحوم صنیع الدوله را محترم دانسته پولش را بدهند.»

در پی این پاسخ؛ از محاکمات به نماینده محمد، مسیودولف، می‌نویسند تمام «اسناد و نوشتجات و کتراتی که از مرحوم صنیع الدوله دارید همراه برداشته به محاکمات وزارت خارجه

بیانید که لازم است ملاحظه شود.» از مسیودوبروک هم خواسته می‌شود که روز دوشنبه ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ «دو ساعت به ظهر مانده به محاکمات وزارت خارجه تشریف فرما» شود که در مورد دعوی محمد بر ورثه صنیع الدوله مذاکرات لازم به عمل آید.<sup>۳۰</sup>

دوبروک در جلسه حاضر نمی‌شود و از محاکمات به او می‌نویسند قرار شده او با مصدق طرفین به محل رفته «پس از رسیدگی و مساحت و تقویم» هر آنچه نظر داد همان اجرا شود.<sup>۳۱</sup> همان روز (۱۱ ربیع‌الاول)، وکالت‌نامه رسمی مخبر السلطان به محکمه ارائه می‌شود که محمدقلی خان مخبر الملک «از طرف ورثه صنیع الدوله شهید مظلوم»، به وی رخصت شرکت در محاکمات و پاسخگویی به دعاوی مهندس اتریشی و لفلینگس ادر و محمدقاید او غلی را داده است، و حاج محمدتقی شاهرودی و هدایت‌قلی خان هدایت (اعتضاد الملک) بسرعموی او، صحت وکالت‌نامه و خط و مهر مخبر الملک را در حاشیه آن تصدیق کرده‌اند.<sup>۳۲</sup>

روز ۱۳ ربیع‌الاول جلسه‌ای بنا حضور محمدقاید او غلی و مخبر السلطان در محاکمات برگزار می‌شود. از محمد می‌پرسند: «بر مرحوم صنیع الدوله چه دعوا دارید؟» کترات را ارائه داده می‌گوید با صنیع الدوله قرار گذاشته بودیم به «ساجین روسی سیزده تومان و پنجهزار باید بدهد و مفاد کترات بیاید» اجرا گردد. مخبر السلطان می‌گوید این قرارداد برای کار در معدن حضرت عبدالعظیم بسته شده بود، لیکن حاضریم بر مبنای همان کترات، خرج کردن «گالری» در پی قلعه را هم از قرار متر مکعبی ۱۵ قران بدهم؛ اما محمد صورتی به محکمه ارائه داده که «مقداری راه ساخته و یک مقداری دیوار و یکی دو نهر که از روی این کترات میزان قیمت آنها معلوم نیست» و می‌بایست اهل خبره بازدید کرده اندازه‌گیری و قیمت‌گذاری کنند. همچنین اجرت مسطح کردن قطعه زمینی که جهت تسهیل کار مهندسین انجام شده را نیز مشخص نمایند تا «بعد محاکمه شود که آیا ورثه مرحوم صنیع الدوله بایستی اجرت ساختن سکو را به مشارالیه بدهند یا خیر»؛ زیرا از قرار می‌شود که «در ملک غیر» ساخته است. چنین پیدا است که در این جلسه باز تاکید شد خاندان صنیع الدوله، پنجاه تومان به محمد بپردازند که «صرف معاش خود نموده معسور نباشد»، و این مبلغ را پس از بازدید مصدقین و تعیین میزان طلب محمد، از مقدار طلب وی کم کنند. این مطلب را به مخبر الملک اطلاع می‌دهند و او طی نامه‌ای مصدر به این عنوان: «خدمت ذی‌ملاطفت جناب جلالتماب اجل اکرم

آقای دبیر مخصوص رئیس محاکمات خارجه دام اقباله» که روز بعد (۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۹) به محاکمات می‌نویسد اولاً از تصویب و رأی محکمه به عنوان «صوابدید» یاد می‌کند و می‌افزاید معلوم نیست به موجب کدام سند بر محکمه ثابت شده که طلب قاید او غلی چندین پنجاه تومان است؛ «که عجالتاً یک پنجاه تومان حواله کرده‌اند.» ثانیاً بر اساس «صورت‌های غیر مصدقی» که اخیراً پیدا کرده ادعای قاید او غلی باطل یا لا اقل محدود می‌شود، و پس از صدور رأی محکمه «بنا به تصدیق مصدقین یا غیر آن» به نفع محمد نیز می‌بایست معلوم شود چه مقدار پول گرفته است.

ثالثاً بر فرض معین شدن طلبی، تازه محمدقاید او غلی یک نفر اضافه بر سایر طلبکارها خواهد شد که ادعا بر میت دارد تکلیف او به قانون اسلام و هر مملکتی تکلیف سایر طلبکارها خواهد بود.» سپس سوگند می‌خورد که «والله بالله تالله برادر شهید مظلوم من صدوهشتاد هزار تومان قرض دارد و پنجاه تومان پول نقد نه در منزل و نه در بانک‌ها ندارد»، و استدعا می‌کند که محکمه را متوجه مسئولیت بزرگی که «متأسفانه» بر عهده اوست نموده خودشان و او را «مسئول خدا و ده نفر اولاد صغیر و کبیر آن مظلوم» ننمایند.<sup>۳۳</sup>

پرداخت پول به قاید او غلی و نیز تشکیل جلسه مصدقین، سر نمی‌گیرد و مسیودوبروک طی نامه‌ای از محاکمات می‌خواهد، برای انجام کار، به وی «علاوه بر مخارج درشکه و حمل و نقل که یکی از متداعیین قبول نموده» به روزانه ده تومان حق مأموریت جهت مصارف خودش و مترجم و نوکرش، بپردازند.<sup>۳۴</sup>

روز ۱۶ ربیع‌الاول جلسه دیگری برای دادرسی در محاکمات تشکیل می‌شود. در این نشست مخبر السلطان می‌گوید، بیش از این چون دسترسی به اسناد صنیع الدوله نداشتم، حکمیت مصدقین را پذیرفتم ولی با اسنادی که اخیراً «در بین کاغذهای مرحوم صنیع الدوله» یافته‌ام و «اینکه به محکمه ارائه می‌دهم گمان می‌کنم که هیچ احتیاج به رفتن پس قلعه نباشد» و ظاهراً صورت حساب محمد را که بیشتر از آن یاد کردیم به محکمه می‌دهد، و می‌خواهد ۱۴۸ تومانی را که او به عنوان انجام کار در معدن حضرت عبدالعظیم و امام‌زاده داود گرفته جزء دریافتی وی از بابت کار انجام شده در پس قلعه حساب کنند، چراکه به نظر وی محمد در حضرت عبدالعظیم هیچ کاری نکرده است و بیش از دو سه روز آنجا نبوده که «شعاع السلطنه، محمد و عملجات او را اگر عملجاتی داشته» از آن محل اخراج کرده است. محمد می‌گوید صورت حسابی که داده‌ام از



بابت همان جا و زندان و امامزاده داود است، و «دخلی به پس قلعه ندارد. سی و چهار روز در شاهزاده عبدالعظیم و هجده روز در امامزاده داود و چند روز هم در زندان کار کرده‌ام» هجده روز هم در اطراف کرج کار کرده است. و می‌افزاید صورت مقدار کار انجام شده را به صنیع الدوله داده بود لیکن او نپذیرفته و قرار گذاشته با مهندس خود «به ذرع کردن کار» بپردازد، اما فرصت انجام آن را نیافته است.

در پاسخ به پرسش رئیس محکمه می‌گوید، برای صنیع الدوله «پنج ماه گاهی با چهل عمه گاهی با سی و پنج عمه» کار کرده است. در مورد میزان کار روزانه هم گفت گاه ۲۰ متر و گاهی دو متر در روز کنده‌اند.

مخیرالسلطان همچنان منکر درستی سخنان محمد است و می‌گوید اگر صنیع الدوله صورت حساب محمد را نپذیرفت به سبب اختلاف حساب بوده است و از جمله همان ۱۴۸ تومان است که او می‌نویسد برای کار در امامزاده داود و جاهای دیگر گرفته و حال آنکه «طرف کار و حساب» او در آن نواحی مهندس اتریشی است. در مورد پس قلعه هم اگر محمد کتراتی دارد ارائه دهد. جلسه بی‌نتیجه به پایان می‌رسد.

روز هشتم ربیع‌الثانی جلسه دیگری تشکیل می‌شود و در طی آن پایاریان وکیل محمد از مخیرالسلطان می‌خواهد بیان کند مبنای صورت حساب ارائه شده از سوی محمد چیست؟ مخیرالسلطان پس از بیان این جمله که «از شروط و کالت این است که وکیل تحقیقات تام خودش را از موکل خود بکند»، می‌گوید محمد «به واسطه مهندس اتریشی» به صنیع الدوله معرفی شد، و از او خواستند که در کوههای اطراف حضرت عبدالعظیم فقط یک گالری بکند، اما محمد امکان انجام کار را نیافت و با ممانعت شعاع السلطنه روبه رو شد و کاری دیگر از صنیع الدوله خواست، او را به پس قلعه فرستادند و پس از مدتی صنیع الدوله صورت حساب از وی خواست و او ارائه داد که مبلغ آن جزئی است، اما صنیع الدوله نپرداخت چرا که محمد پول دریافتی خودش را برای کارهایی می‌نویسد که اصلاً به او مربوط نبوده است و «صورت حسابی که مهندس اتریشی می‌دهد، تمام مخارجات

تشکیل می‌شود، مخیرالسلطان دوباره همین پرسش را مطرح می‌کند و رئیس محکمه پاسخ می‌دهد که بسته به رضایت طرفین است. اگر هر دو بپذیرند مفاد همان «کترات» مجرا خواهد بود والا می‌بایست بررسی مجدد به عمل آید. مخیرالسلطان اظهار می‌دارد که چون در حضرت عبدالعظیم کاری انجام نشده اصلاً مفاد آن کترات را قابل اجرا نمی‌داند. در مورد رسیدگی مجدد هم بر این باور است که ضرورتی ندارد و همان صورت حساب پیشین محمد را که به صنیع الدوله داده قبول داریم و محل اختلاف بر سر پولی است که محمد دریافت کرده اما به حساب حق الزحمه کارهایی که مدعی است در حضرت عبدالعظیم انجام داده می‌گذارد و حال آنکه طرف حساب صنیع الدوله در این نواحی مهندس اتریشی بوده است.

وکیل محمد می‌گوید اگر بر محمد به سبب اینکه در صورت حساب ارائه شده مقدار کار را قبول کرده اما تخمین قیمت را نپذیرفته ایرادی وارد باشد، همین ایراد بر صنیع الدوله وارد است که چگونه قیمت کار را پذیرفت ولی مقدار آن را تأیید نکرد. محمد هم مستخدم صنیع الدوله بود نه مهندس اتریشی و از محکمه می‌پرسد که چرا قرار قبلی برای حکمیت مصدقین اجرا نشده است.

مخیرالسلطان می‌گوید پس از اینکه اسناد صنیع الدوله به دست من رسید، من هرگز نگفتم صنیع الدوله قیمت را پذیرفته بود و بر سر مقدار کار اختلاف داشت، از درخواست وکیل محمد برای مینا قرار دادن «پروگرام ممالک خارجه» جهت حل این اختلاف نیز اظهار شگفتی می‌کند که محمد و صنیع الدوله هر دو مسلمانند و قانون «شرع انور» هست. در مورد حکمیت مصدقین هم می‌گوید حکمیت در جایی ضرورت دارد که سندی در کار نباشد و اکنون اسناد لازم در بین کاغذهای صنیع الدوله پیدا شده است.

صورت حساب مهر شده محمد به پایاریان ارائه می‌شود، او منکر درستی آن نیست، و ولفلینگس ادر «سواد صورت محاسبات و نقشه و طرح حفریاتی» که به حکم صنیع الدوله انجام شده بود را دریافت کرد. پس از تحقیق و تفتیش آن را مبتنی بر «صداقت و درستی» دانسته است. برطبق آن صورت

خودش را می‌نویسد و وجهش را می‌گیرد.» این سخن مخیرالسلطان درست به نظر می‌رسد. مهندس اتریشی که صنیع الدوله را به خود بدهکار می‌دانست و به بررسی اسناد شکایت او هم خواهیم پرداخت در صورت حسابی که به صنیع الدوله ارائه داده، پرداخت پول به قاید اوغلی و مخارج مسافرت به حضرت عبدالعظیم و امامزاده داود و کرج و کردان و پس قلعه را به حساب آورده، پول آن را دریافت داشته است.<sup>۳۴</sup>

وکیل محمد مدعی است که طرف حساب محمد در آن نواحی شخص صنیع الدوله بوده و پس از مدتی کار در پس قلعه، مهندس اتریشی صورت حسابی برای وی تهیه می‌کند و محمد نیز آن را امضاء می‌نماید و بعد که متوجه می‌شود مهندس مزبور اجرت کار را کم نوشته به او اعتراض می‌کند و مهندس می‌گوید به درخواست صنیع الدوله این گونه عمل کرده است. وکیل محمد می‌افزاید که خود مهندس نزد من اقرار کرد که ماجرا به همین شکل بوده است. وی سرانجام درخواست می‌کند که میزان کار و اجرت آن را یا حکمین ارزیابی کنند و یا براساس «پروگرامی» که در «فرنگستان» معدن کنها دارند، قیمت کار محمد مشخص گردد. به نظر مخیرالسلطان نمی‌شود محمد تخمین مهندس اتریشی را در مورد مقدار کار بپذیرد ولی زیربار قیمت تعیین شده نرود و از محکمه می‌پرسد که آیا همان قراردادی که بین محمد و صنیع الدوله در مورد کار در حضرت عبدالعظیم منعقد شده مبنای بررسی در مورد پس قلعه هم هست یا نه. در آغاز جلسه بعدی که روز ۱۴ ربیع‌الثانی

«اولاً حفر ۲۷۰،۲۰۰ متر مکعب در سنگ به جهت عمل تسویه جاده، ۱۰۹/۲۰ متر مکعب در زمین سختی که دارای سنگ نیز بوده است حفر شده با دیوار سنگ چین.

ثانیاً برای کشف معدن ۲۰۴،۳۱۰ متر مکعب در سنگ حفر شده است. ثالثاً ۳۰۶ متر مکعب برای پر کردن زمین و سنگ چین صحن یک بنائی رابعاً ۷ متر مکعب برای حفر مجرای آب خامساً ۶،۷۵۰ متر مکعب برای سنگ چین مرغ محله» سنگ برداری و کار شده است.

بر اساس صورت حسابهای یافته شده، دریافتی محمد از صنایع الدوله تنها ۱۹۳/۵ تومان بوده ولی خود قاید اوغلی «به اختیار و رضای خود و با نجات تمام» به او گفته که مقداری گندم هم از بابت مزد خود دریافت داشته که قیمت آن حدود ۱۰/۵ تومان بوده و لذا از همه جهت ۲۰۴ تومان دریافت داشته است. مخبر السلطان به این مبلغ اعتراض داشته ولی سندی مبنی بر دریافت بیشتر از آن ارائه نداده است. پس از اینکه طرفین حاضر شدند هر مبلغی مسیود بروک تعیین کرد بپذیرند، او خود «سختی سنگها، وضع محلها و جنسیت اراضی را تحقیق کرده و تشخیص داده که «محمد کایا اوغلی» حق دارد برای تمام کارهایی که انجام داده کلاً مبلغ ۹۴۶ تومان مطالبه نماید و چون ۲۰۴ تومان گرفته بایستی مبلغ ۷۴۰ تومان دیگر از ورثه صنایع الدوله دریافت کند.

مخبر السلطان این حکم را بپذیرفته در تاریخ ۶ ذیحجه اعتراض کتبی خود را به رئیس محاکمات عرضه می‌دارد و طی آن به دلیل اینکه دو بروک «خارج از وظیفه ماموریت خودش رفتار کرده» اظهار می‌دارد که «این تصدیق را به هیچ وجه» قبول ندارد.

او همچنین در نامه‌ای که روز پنجم محرم ۱۳۳۰ به فرانسه، رئیس جدید محاکمات نوشته به تفصیل دلایل خود برای عدم پذیرش گزارش دو بروک را ذکر کرده است و طی آن نخست با بیان این مطلب که صورت حسابی به امضای محمد در بین اسناد صنایع الدوله پیدا و به محکمه ارائه شده، اساساً ارجاع حل و فصل این دعوی مالی به تشخیص مسیود دو بروک را بی‌معنی می‌داند. سپس از عدم توجه دو بروک به حکم

محکمه شکایت کرده می‌نویسد. توضیح داده شده بود که مسیود دو بروک «فناً تصدیق بکنند که محمد چند متر کار کرده» و اجرت کار چه قدر است، «ولی بدبختانه مسیود دو بروک که خودش را از تجبا می‌داند برخلاف آنچه که از محکمه رأی داده شده (یا مفروضانه یا نفهمیده یا به طرفداری از محمد) رفتار کرد» و گزارش «حکمت» به محکمه فرستاد. آنگاه چندین مورد خطای دو بروک را تذکر می‌دهد: نخست اینکه او از جانب کسی حکم نشده بود. رسیدگی به کارهای حضرت عبدالعظیم و «مبلغ یکصد و چهل و هشت تومان» به او مربوط نبود و بر تخمین مسیود ادر از مقدار کار انجام شده و اجرت آن صحنه می‌گذارد، صورت حسابی هم که مخبر السلطان به محکمه ارائه داده به تصدیق مسیود ادر و امضای محمد رسیده بود و دیگر جای گفتگو نبود و چهارم آنکه اجرت کارهای مختلف را ذکر نکرده است. مسیود دو بروک در گزارش خود نوشت، از مخبر السلطان کتبا و شفاهاً دعوت کردم دلیلی بر این ادعای خود که بیش از ۲۰۴ تومان به محمد داده شده ارائه دهد ولیکن او حاضر به ارائه «صورت صحیح» این وجوه نشد. مخبر السلطان پاسخ شگفت‌آوری می‌دهد به عنوان پنجمین ایراد خود بر «راپورت حکمت» او می‌نویسد: «برای این حاضر نشدم که امتحان از ..... مسیود دو بروک را کرده باشم و سرانجام آخرین ایراد او به این گزارش آن بود که مسیود دو بروک در پس قلمه بیش از سه ساعت توقف نکرده و از اسباب مهندسی چیزی جز «یک مطر» به همراه نداشت و آگاهان می‌دانند که اندازه‌گیری آنچه دو بروک در گزارش خود آورده بسیار بیش از اینها زمان می‌برد.

به دنبال اعتراض مخبر السلطان، از محاکمات در تاریخ ۱۱ ذیحجه نامه‌ای مفضل به دو بروک می‌نویسند و با جلب توجه وی به این نکته که ماموریت وی صدور حکم نبوده بلکه تنها می‌بایست در مورد مقدار کار انجام شده و اجرت آن «تصدیق فنی» ارائه دهد، گزارش حکمت او را بازپس فرستاده می‌خواهند که «فقط مساحت و قیمت عملیات محمد قاید اوغلی را به هر نحوی است فناً معین نموده» صورت تصدیق خود را مستقیماً به وزارت خارجه ارسال نماید.<sup>۲۳</sup> دو بروک در پاسخ به این نامه، نخست به دانش

ریاضی مخبر السلطان خرده می‌گیرد و می‌نویسد: «در خصوص اینکه مساحت کردن سنگ ممکن است یا نیست و در خصوص اینکه چگونه به وسیله وزن کردن می‌توان مساحت سنگ را معین نمود، مطالب هندسی که جناب مخبر السلطان اظهار کرده‌اند به اندازه‌ای مضحک است که هر گاه به یکی از شاگردان قدیم مدرسه دارالفنون بنده نیز اظهار کنند خواهد خندید» و می‌افزاید «هیچ مناسبت ندارد» کسی که از علوم ریاضی باخبر نیست و خود یکی از طرفین محاکمه است «به مهندسی که دولت انتخاب نموده درس بدهد»، و اظهار تأسف می‌کند از اینکه «محاکمات وزارت امور خارجه قباحات این مطلب را ملتفت نشده‌اند.»

سپس قراری را که با محکمه گذاشته یادآوری می‌کند که بنا شده بود او قطعاً به این مرافعه پایان دهد و افزون بر آن خود طرفین بپذیرند حکم او را اجرا کنند، و مخبر السلطان هم گفته بود که نظر او را می‌پذیرد.

نحوه اندازه گرفتن کار هم به علم و وجدان او مربوط است و طرفین به سبب دانش او یاری خواسته‌اند، لذا بر صحت مفاد گزارش خود که «از روی کمال بیطرفی و عدالت و با رعایت تمام کیفیات فعلی یا علمی» تهیه شده تأکید کرده گزارش مذکور را «با کمال افتخار» بازمی‌گرداند.<sup>۲۴</sup>

از این پس محاکمات، به رغم استتکاف ورثه صنایع الدوله از پذیرش حکم مسیود دو بروک، با اصرار محمد و سفارت عثمانی برای اجرای آن حکم روبه‌رو بود.<sup>۲۵</sup> از سفارت عثمانی نوشتند: «مسئله قاید اوغلی مناسفانه باز تاکنون منسوخ نتیجه مطلوبه نگردیده است» و یادآور شدند که معاون کتل وزارت امور خارجه هم حفاقت قاید اوغلی را تأیید می‌کند و معلوم نیست چرا حکم اجرا نمی‌شود. مزاحمت‌های مستمر قاید اوغلی را هم چنین توجیه کردند که «آن بیچاره خودش راحت نیست که سایرین را راحت بگذارد» و «مصرأً» خواستار آن شدند که «بیش از این از حقیقت امر غمض عین» نکرده «عاجلاً» به این کار حسن ختام بدهند.<sup>۲۶</sup>

رئیس محاکمات که با این معضل روبه‌رو شده بود، گزارشی به «مقام منبع وزارت خارجه» تقدیم کرده ضمن شرح پیشینه ماجرا می‌نویسد.



در زمان ریاست دبیر مخصوص پس از پیدا شدن استادی از صنایع الدوله، مخیر السلطان حکم پیشین محکمه منی بر پذیرش حکمیت مسیو دوبروک را که به امضای مخیر الملک هم رسیده بود، باطل نمود و چون محمد به صورت حسابی که خود امضاء کرده بود «تمکین نداشت» حکمی از محکمه به امضای دبیر مخصوص و سالم بیک صادر شد که مسیو دوبروک «رفته و کار را فناً رسیدگی کرده و معلوم نماید که طلب محمد مزبور چیست. مخیر السلطان پس از استماع این امر بعضی تهدیدات شفاهی به ریاست محکمه کرد» که دبیر مخصوص پس از «ارائه صورت حساب محمد که برای خود صنایع الدوله در زمان حیات فرستاده است»، حق نداشت حکم مجدد در این مورد صادر نماید «و از قرار مسموخ خود آقای دبیر مخصوص هم از صدور حکم مجدد نادم شدند». در زمان ریاست دبیر مخصوص، دوبروک به پس قلعه نرفت و پس از استغای او، اکرام الملک به ریاست محاکمات رسید و وی نیز که از کم و کیف ماجرا خبر داشت «کار را در مدت ریاست به لیت و لعل گذرانید تا مستعفی شد» و پس از او هم چند روزی مقرب السلطنه مصدر کار بود «که از میرزا علی اکبر صدمه دیده به خانه منزوی شدند» ولی تا تعیین رئیس جدید کارها را انجام می داد و چون سفارت عثمانی «مدلول حکم ثانوی را هر روز جداً از محاکمات خواستار بود، ناچار محاکمات با تصویب خود مخیر السلطان»، مسیو دوبروک را به همراه وی و محمد فایداوغلی به

پس قلعه فرستاد» و حکم مسیو دوبروک این شد که خاندان صنایع الدوله می سبایست «هفتصد و کسری» تومان به محمد بپردازند. مخیر السلطان «بعضی ایرادات قانونی به تصدیق و نوشته مسیو دوبروک می گیرد» سفارت عثمانی هم «اصرار فوق العاده در اجرای عمل و تأیید حق محمد» می نماید. مسیو دوبروک هم «به هیچ عنوان تغییری در تصدیق خود نمی دهد» و «چون محاکمات در این مورد در محذور است نمی تواند حکم اجرای عمل را بدهد، حال هر طور رأی مبارک اقتضا فرماید، دستخط فرمایند اطاعت شود». ۴۷

ظاهراً وزیر دستور تشکیل کمیسیون اداری را داده است چرا که در تاریخ ۱۷ محرم ۱۳۳۰ مجلسی با حضور معاون وزارت امور خارجه، میرزا اسماعیل خان فرزانه رئیس محاکمات، ۴۸ مقرب السلطنه رئیس سابق محاکمات، ۴۹ معاضد السلطان رئیس اداره انگلیس، ۵۰ اعتلاء الملک رئیس اداره تحریرات عثمانی، ۵۱ ظهیر الملک رئیس اسبق محاکمات، ۵۲ میرزا صادق خان مدیر رمز، ۵۳ رجبعلی خان مدیر پرسنل ۵۴ و میرزا نصرالله خان معاون اداره محاکمات تشکیل شده «بعد از چهار ساعت مذاکرات» به استناد نخستین نامه صنایع الدوله پاسخ دو ایراد مخیر السلطان به عملکرد محکمه را داده نوشته اند که، اولاً از مفهوم نامه صنایع الدوله چنین بر می آید که او کثرت فایداوغلی را در مورد کارهای انجام شده در پس قلعه نیز پذیرفته است و ثانیاً خود صنایع الدوله صورت حساب محمد را رد کرد و حل و فصل کار را به تشخیص مسیو دوبروک وا گذاشت، چگونه و کیل و رنه به استناد همان صورت حساب «به محکمه اعتراض» می کند؟

به ایرادات عمده او به گزارش مسیو دوبروک هم اینگونه پاسخ دادند. نخست اینکه دوبروک تنها به صورت ارائه شده از سوی ولفلینگس ادر استناد نکرده تشخیص خود در مورد مقدار و اجرت کار انجام شده را نوشته، و دیگر اینکه در قرارداد محکمه از وی نخواسته اند اجرت هر کار را جداگانه تعیین کند و سوم آنکه اعتراض مخیر السلطان بر نحوه مهندسی مسیو دوبروک به محکمه مربوط نیست و در پایان چنین نتیجه گرفتند: «حاضر مجلس به اتفاق آراء رأی دادند که وارث مرحوم صنایع الدوله هر گاه مدلول راپورت مسیو دوبروک را به موقع اجرا گذارند موجب صلاح ورته خواهد بود و محاکمات وزارت خارجه باید از همان قرار به موقع اجرا گذارد». این صورت جلسه به امضای پنج تن از اعضای کمیسیون رسیده است. ۵۵

محمد از موضع گیری محاکمات به نفع خود باخبر شد و چون باز هم بولی به او پرداخت نگردید به سفارت عثمانی شکایت کرد. از سفارت به محاکمات نوشتند حال «که پس از دوندگی دو ساله و تحمل آن همه زحمات فوق العاده» حکم بر حقانیت او شده باز هم «اجرای مدلول حکم معلوم نیست که کی و چه وقت خواهد شد». از گرسنگی و سرگردانی او در ایران و بی کسی عیال و اطفالش در وطن نیز سخن گفته، خواسته اند «طلب حقه و مثبت» محمد از خاندان صنایع الدوله گرفته شده «به توسط قونسولگری به مظلم مومی الیه مسترد» گردد. ۵۶

چنین پیداست که در پی تکرار درخواستهای سفارت عثمانی، از محاکمات نامه ای به مخیر السلطنه نوشته خواسته اند که به حل و فصل اختلاف مالی صنایع الدوله و بانک استقراضی بساری رسانند، و این را هم افزوده اند که مخیر السلطان «کراراً- کتباً و شفاهاً- و عده انجام کار محمد فایداوغلی را داده [اما] انجام آن را موکول به امروز و فردا کرده اند». و این نکته را بدو یادآور شدند که سفیر کبیر عثمانی «در شرف عزیمت» است و «جداً تسویه این امر را از وزارت امور خارجه خواستار و مراتب را هم در موقع شرفیابی به حضور مبارک والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دامت عظمه معروض و اظهار شکایت کرده اند، و از آن مقام مقدس نیز در اجرای حکم محکمه تأکیدات شده است»، و با عطف توجه وی به رفتن سفیر و آمدن نماینده جدید و «داد و فریادهای محمد فایداوغلی در هر موقع و مقام» که باعث استیصال محاکمات شده «جداً خواهش» می کنند که «رفع این زحمت» از اولیای امور و وزارت امور خارجه نمایند «که ضمناً از پاره ای مفاسد پیش بینی و جلوگیری شده باشد».



به‌رغم این تلاشها، از نامه شیدالرحمن سفارت عثمانی پیداست که خاندان صنایع‌الدوله تا ماهها بعد همچنان از پرداخت تمام بدهی وی، خودداری کرده‌اند.

در تاریخ ۷ شعبان ۱۳۳۰ ق. طی نامه‌ای از سفارت عثمانی به وزیر امور خارجه نوشتند که هنوز حکم محکمه اجرا نشده است و «از روی اطلاعات حاصله سفارت سنیه» معلوم می‌شود که «بعضی از مأمورین اداریه بدین مسئله که داخل دائره وظایف قوه عدلیه است مداخله کرده مانع اجرای حکم قانونی می‌شوند»، و «نظر دقت مخصوص» وزیر امور خارجه را «به این مداخله که منافی قواعد تقسیم قواست» جلب نموده خواسته‌اند که «مسئله مزبوره را به زودی حسن خاتمه» دهند.<sup>۵۷</sup>

این نامه روز دوم ماه رمضان به محاکمات داده می‌شود ولی از قراین پیداست که رئیس محاکمات زودتر از این موقع، از مضمون نامه باخبر شده چراکه چون به اداره تحریرات عثمانی نامه نوشت و خواست که طلب «ایوان مسیحی» از قاید اوغلی را از محل پولی که ورثه صنایع‌الدوله به او بدهکارند، بردارند؛ به وی پاسخ دادند آنچه ورثه صنایع‌الدوله پرداخته‌اند «تمام و کمال» به محمد داده شده و دیگر پولی در آن اداره ندارد و افزودند «مراسله اخیر سفارت عثمانی را هم البته ملاحظه فرموده‌اند، پس از آنکه توجهی در وصول بقیه طلب مومی‌الیه فرمودند و به حیظه وصول رسید قدغن خواهند فرمود که طلب ایوان را از آن مبلغ کسر بگذارند».

سرانجام به دنبال پیگیریهای سفارت عثمانی و تعلل خاندان هدایت در پرداخت این بدهی بیشترین مقدار طلب قاید اوغلی، از عایدات اداره محاسبات وزارت امور خارجه پرداخت شد و در تاریخ ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۱ ق. قبض مفصفاً حساب از وی دریافت و ضمیمه پرونده گردید.<sup>۵۸</sup> پرونده محاکماتی و لفلینگس‌ادر- که در این بررسی چندبار نام او تکرار شد- کامل نیست، تنها ۱۴ برگ دارد که ۵ برگ آن نامه‌های صنایع‌الدوله به این مهندس اتریشی است که به زبان المانی نوشته شده و ۳ برگ دادخواست و صورت حساب و لفلینگس‌ادر به همان زبان و مابقی ترجمه همان اسناد است.

برطبق این اسناد در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۱۰ رجب ۱۳۲۸ قراردادی به صنایع‌الدوله از سوی «رودلف و لفلینگس‌ادر تبعه اطریش» پیشنهاد شده که مفاد آن به شرح زیر بوده است. به اصلاحاتی که صنایع‌الدوله در این قرارداد به عمل آورده هم اشاره خواهیم کرد: اولاً، و لفلینگس‌ادر مهندس سرکاری کنندن معدن شاه‌عبدالعظیم را بر عهده گرفته و متعهد

می‌شود کارهای آنجا را موافق ترتیبات علمی اروپائی پیش ببرد. صنایع‌الدوله در بین دو سطر اضافه کرده: «هرکاری راجعه استخراج معادن به وی رجوع کنند انجام بدهد».

ثانیاً، و لفلینگس‌ادر مهندس ملتزم می‌شود ترتیب صحیحی برای گالریهای معدن مزبور بدهد، و نیز ترتیبی بکند که حتی‌الامکان احتمال خطر خراب شدن دالانهای مذکور در کار نباشد، ضمناً مهندس فوق‌الذکر متقبل می‌شود که اساس داخلی معدن را طوری ترتیب دهد که هر چه بیشتر فایده از استخراج حاصل گردد.

ثالثاً، جناب صنایع‌الدوله متعهد می‌شوند که به و لفلینگس‌ادر مهندس ماهیانه هفتاد تومان بپردازند به علاوه مخارج مسافرت و سایر مصارف تجسّات در صورتی که مهندس مزبور به نقطه دیگر مأمور شود.

رابعاً، رودلف و لفلینگس‌ادر مهندس در موقع انعقاد این کتترات موقتی مبلغ چهل تومان دریافت خواهد نمود ولی بعدها همواره مقرری خود را در آخر هر ماه خواهد گرفت».

پس از ارائه این متن، صنایع‌الدوله طی نامه‌ای به مهندس اتریشی نوشت که «کتترات را فی‌الجمله تغییری داده» است و خواهش نمود که آن را پاک‌نویس کرده در دو نسخه بنویسد و برای امضاء حاضر کند، و تذکر داد که «به عنوان مساعده» پولی خواهد فرستاد ولی نیازی به «قید» آن در «کتترات» نیست و از وی خواست که «کتترات محمد قاید اقلی را به سختین، مرقوم» دارد. حواله مبلغ صد تومان را هم فرستاد که «در مقابل قبض» به وی بدهند و مهندس مذکور چهل تومان برای خود بردارد و شصت تومان به «قاید اقلی» دهد.

نسخه‌هایی این قرارداد این‌گونه بود:

«فی‌مابین جناب اجل آقای صنایع‌الدوله از یک طرف و رودلف و لفلینگس‌ادر مهندس از طرف دیگر، به تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۱۰ مواد مندرجه ذیل مقرر گردید:

اولاً و لفلینگس‌ادر مهندس عجله برای مدت سه ماه از تاریخ انعقاد این کتترات به سمت مهندسی معدن اجیر شخص جناب اجل صنایع‌الدوله می‌شود.

ثانیاً و لفلینگس‌ادر مهندس ملتزم می‌شود هر کاری راجعه به معدن به او رجوع کنند از عهده برآید و عجله چون کار دیگری در پیش نیست، در کنندن معدن نزدیکی شاهزاده عبدالعظیم نظارت کند که این کار به ترتیب علمی پیش برود.

ثالثاً جناب صنایع‌الدوله متعهد می‌شوند که به و لفلینگس‌ادر مهندس هر ماه مبلغ هفتاد تومان پول ایران کارسازی دارند.

رابعاً هرگاه به و لفلینگس‌ادر مهندس در

نقطه‌ای دیگر کاری رجوع شود مخارج مسافرت و مصارف تحقیقاتی که باید بنماید باید علیحده به او بپردازند».

پس از مرگ صنایع‌الدوله، و لفلینگس‌ادر نامه‌ای به «حضرت اجل وزیر عدلیه مملکت ایران» نوشت و طرح شکایت نموده خود را از صنایع‌الدوله طلبکار دانست و چنین استدلال کرد که اگرچه قرارداد وی با صنایع‌الدوله برای مدت سه ماه بود لیکن عملاً وی تا زمان نوشتن نامه «برسر خدمت خود باقی» بوده «زیرا بعد از اتمام مدت قرارداد، نه اینسکه از طرف جناب صنایع‌الدوله اخطار کتبی به تعطیل و توقف کار شده بلکه در ماه (نویامبر) دوباره» او را «جهت تفحص، به کرج و کوردان و سایر نقاط مأمور» کرده‌اند، و سپس به پس‌قلعه فرستادند و پانزده روز بعد از بازگشت به تهران، از وی خواسته شد «که اندازه و مقدار کلیه کارها را تعیین نماید».

پس از ارائه صورت حساب «کتباً و شفاهاً» موجب خود را طلب کرده اما پاسخی نشنیده است لذا تا رسیدن به نتیجه، ساکن مهمانخانه گردید. تا آن موقع، با احتساب ۵۰۰ قرانی که از تجارتخانه طومانیان‌ها دریافت کرده ۱۰۱۹ قران طلبکار بوده و چون صنایع‌الدوله تا آن هنگام توجهی به ماده چهارم قرارداد که او را موظف به پرداخت حق مأموریت وی می‌کرد نکرده است، براساس «قانون المان» که «در موقع مأمور کردن مهندسی به اطراف مملکت، مخارج یک شبانه روز با کرایه منزل به آنها داده می‌شود»، این مخارج را از قرار روزی ۶۰ مارک یعنی ۱۴۹ قران و ۶۰ سانتیم، چنین محاسبه کرده: از بابت «مخارج اقامت بیست روزه شاه‌عبدالعظیم» ۲۹۹۲ قران؛ اقامت پانزده روزه در امام‌زاده داود، «۲۲۴۴ قران و ۴۰ سانتیم» و اقامت ۱۸ روزه در کرج و کوردان و غیره، «۳۶۹۲ قران و ۸۰ سانتیم» موجب خود از هنگام استخدام ۱۵ ژوئن ۱۸۹۰/۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ تا ۲۴ فوریه ۱۹۱۱/۲۴ صفر ۱۳۲۹ را هم ۷۷۵ قران حساب کرده، کل مبلغ دریافتی خود (۶۷۷۰ قران) را از جمع مقادیر مذکور کسر نموده، در نهایت خود را «۸۹۰۹ قران و ۲۰ سانتیم» از صنایع‌الدوله طلبکار می‌داند.

تذکر این نکته هم ضروری است که او در صورت حساب دیگری که ارائه داده و ترجمه آن جزء اسناد است، دریافتی خود را ۶۲۷۰ قران و طلب خود را تا ۹ ذیحجه ۱۳۲۸، ۱۵۹۹ قران نوشته است.

ظاهراً به وی راهنمایی کرده‌اند که می‌بایست به محاکمات وزارت امور خارجه شکایت کند و او در نامه‌ای دیگر که به «اعضاء محترم محکمه بین‌المللی در طهران» ارائه شده می‌نویسد: از ۱۶ ژوئیه ۱۹۱۰/۹ رجب ۱۳۲۸ تا ۲۳ دسامبر

۲۰/۱۹۱۰ ذیحجه ۱۳۲۹ در خدمت صنایع الدوله بوده و صنایع الدوله بدون توجه به ماده چهارم کتورات، «مخارج مسافرت را جزء مواجب» به حساب آورده «از مواجب کسر» نموده است و از این جهت وی ۱۰۹ تومان طلبکار است و می‌افزاید «آخرین وجهی که به من رسید مبلغ پنجاه تومان بود که جناب صنایع الدوله به تاریخ سلخ دسامبر به اینجانب پرداخته و ضمناً شرط کردند که دیگر ادعایی از ایشان نکنم»، لیکن چون او در مهمانخانه به سر می‌برد و «ماهی جهل و پنج تومان از بابت کرایه منزل و مخارج» می‌پرداخته، پذیرش این درخواست برایش ناممکن بوده می‌خواهد افزون بر طلب پیشین «مبالغی را نیز که به واسطه تأخیر در ادای این طلب از طرف جناب مدعی علیه متضرر شده» بپردازند، و این مبلغ را یکصد و چهار تومان تخمین می‌زند و آخرین درخواست او این است که «این دو فقره پول را که جمعاً ۲۱۳ تومان می‌شود هر چه زودتر» به وی برسانند تا تعهدات خود را نیز انجام دهد. از سرانجام این دعوی مالی خبری در دست نیست لیکن بعید می‌نماید که خاندان هدایت مبلغ مورد ادعا را به این مهندس اتریشی پرداخته باشند. در این اسناد تنها نکته شایان تذکر دیگر، نامه صنایع الدوله به ولفلینگس ادر است که از دروس و در تاریخ ۲۸ اوت ۲۲/۱۹۱۰ شعبان ۱۳۲۸ نوشته در طی آن بدو توصیه کرده که کار را در پس قلععه شروع کند. متن این نامه چنین است:

«آقای ولفلینگس ادر مهندس (امامزاده داود) رقعۀ شما و نمونه‌هایی را که فرستاده بودید دریافت کردم از نمونه‌های مزبوره چنین معلوم می‌شود که این سنگها چندان فلز ندارد و به حسب ظاهر گویا همه مس داشته باشند نه سرب و حال اینکه نمونه‌هاییکه سابقاً از امامزاده داود رسیده بود مثل سرب صحیح می‌درخشید بنابراین معلوم می‌شود آن نقاطی که شما تجسس می‌نمائید جاهای تازه است و کاوش زیاد لازم دارد تا معلوم شود قابل استفاده هست یا نیست. پس بهتر است حالا در پس قلععه شروع به کار بکنید چون معین شده است که سنگهای آنجا بیشتر فلز دارد، علاوه بر اینکه ده هم نزدیک است و برای زمستان می‌شود در آنجا منزل و مسکن اجاره کرد اما نواحی امامزاده داود بیابان و غیر قابل سکنی است و قریهٔ ریکا هم بالنسبه دور است. پس به عقیدهٔ این جناب بهتر این است نقاط کشف نشده را نشان کرده گردنه امامزاده داود تا پس قلععه را دنبال کنند و جای تازه‌ای اگر پیدا شد معین نمایند و بلاخره در خود پس قلععه در دره کوچک کنار شیروغ به کار کردن بکنند چنانکه شفاهای هم مذاکره کردیم.»<sup>۵۹</sup> و صنایع الدوله در آخرین نامهٔ خود در ۲۶ اکتبر

۲۲/۱۹۱۰ شوال ۱۳۲۸ ق. از این مهندس می‌خواهد که «فوراً کارها را توقیف نموده» خودش با «هر دو سرکار یعنی محمد و شفیع به شهر» بیاید.<sup>۶۰</sup> آخرین مجموعه سندی که به بررسی آن خواهیم پرداخت، دعوی مالی تجارتخانه طومانیانس بر صنایع الدوله است که سه سال پس از مرگ وی طرح شد. وظیفهٔ محاکمات رسیدگی به دعاوی اتباع کشورهای دیگر بوده است. تجارتخانهٔ طومانیانس همانطور که در نامهٔ محاکمات اشاره شده تجارتخانه‌ای ایرانی به شمار می‌رفت. الکساندر طومانیانس هم در سال ۱۳۱۸ ق. ضمن نامه‌ای که خطاب به اتابک امین‌السلطان نوشته بود از اینکه «خدمتی» به آنان «رجوع» نمی‌شود، شکوه کرده صراحتاً نوشت ما «رعیت دولت علیه هستیم»<sup>۶۱</sup> لذا ارجاع رسیدگی به این شکایت به محاکمات، نشانگر سوء استفادهٔ این تجارتخانه از ضعف دولت ایران و زورگویی قنصلگری روس است. حل و فصل این دعوی سالها طول کشید و سرانجام نیز به عدلیه ارجاع شد و از سرانجام کار بی‌خبریم.

روز هفتم ربیع‌الاول سال ۱۳۲۲ ق. جنرال قونسولگری روس، با ارسال نامه‌ای به محاکمات، سواد «یک طغرا سند» تجارتخانه طومانیانس را فرستاده اعلام می‌کند که برطبق این سند تجارتخانه مذکور «مبلغ شش هزار و نهصد تومان از مرحوم صنایع الدوله ادعا می‌نماید که طلبکار است» و می‌افزاید «احتراماً خواهشمند است در وصول طلب تجارتخانه اقدام لازم فرموده نتیجه را به جنرال قونسولگری اعلام فرمایند». متن سند مورد اشاره چنین است: «مبلغ شش هزار و نهصد تومان از بابت سندی که به تاریخ بیست و پنجم شهر محرم سنه ۱۳۲۳ به تجارتخانه برادران طومانیانس سپرده شده است و در رأس سند پس از ادای فرع یکساله تجدید شده است برعهده این جانب است، که در تاریخ بیست و پنجم محرم سنه آتیه یک هزار و سیصد و بیست و پنج در وجه بانک شاهنشاهی کارسازی نموده این سند و سند سابق را هر دو دریافت دارم و هرگاه قبیل از وعده بخواهم کارسازی دارم باید ماهی تومانی یکصد و پنج دینار ربح کسر نمایم. به تاریخ شهر جمادی‌الآخر ۱۳۲۴ ق. محل امضاء و مهر مرتضی قلی» در حاشیهٔ این سند هم نوشته شده: «توضیح آنکه در ۲۵ محرم ۱۳۲۵ مبلغ شش هزار و نهصد تومان باید به بانک پرداخته شود تا واضح باشد. امضاء: مرتضی قلی» این سند در سال ۱۳۲۵ نیز تجدید شده صنایع الدوله نوشته است: «به تاریخ شهر صفر ۱۳۲۵ معاملهٔ مشروحهٔ متن تجدید شد به این معنی که مبلغ

شش هزار و نهصد تومان بر ذمهٔ این جانب است که در تاریخ ۲۵ محرم سنه ۱۳۲۶ باید تسلیم بانک شاهنشاهی نموده این سند و سند دیگر خود را دریافت دارم.»<sup>۶۲</sup>

دریافت این «یادداشت» محاکمات را در وضع دشواری قرار داد، و ضمن چاره‌جویی از مقام بالاتر نوشتند که «در امور راجعه به تجارتخانه طومانیانس هیچ وقت از طرف محاکمات اقدام رسمی نشده است و مناسبتی هم ندارد زیرا تجارتخانه طومانیانس در تحت حمایت روس نیست فقط یکی از برادرهای طومانیانس تبعهٔ خارجه است» و رهنمودی که دریافت شد چنین بود: «عجالتاً فقط بنا به اظهار طومانیانس به ورثهٔ مرحوم صنایع الدوله نوشته شود نه اینکه به یادداشت اشاره بشود.»<sup>۶۳</sup>

براین اساس روز ۱۴ ربیع‌الاول طی نامه‌ای از ورثهٔ صنایع الدوله خواسته شد چنانچه سخنی در دفاع از خود ندارند این وجه را بپردازند، «والا مراتب را مرقوم فرمایند تا استحضار حاصل آید.»<sup>۶۴</sup>

مخبرالملک به این نامه پاسخ داد و خواست تجارتخانه طومانیانس سواد سند مورد اشارهٔ صنایع الدوله در تهدننامهٔ خود را نیز ارسال کند.<sup>۶۵</sup> سرانجام از محاکمات برای طرفین دعوا احضاریه فرستادند تا دو ساعت و نیم بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۳ ربیع‌الآخر ۱۳۲۲ در محکمه حاضر شوند اما این جلسه تشکیل نشد و دو ماه بعد- پس از اینکه سعدالدوله در این مورد پیگیری نمود- محاکمات دوبار برای رسیدگی تعیین وقت نمود (هفتم و چهاردهم رجب ۱۳۲۲) ولی هر بار به سببی این جلسات تشکیل نشد و نخستین جلسهٔ رسیدگی به این دعوا، روز سه‌شنبه ششم شعبان ۱۳۲۲ ق. تشکیل گردید. در این جلسه که به شهادت صورت جلسهٔ آن بسیار کوتاه بوده، آصف دیوان وکیل طومانیانس و مخبرالسلطان نمایندهٔ مخبرالملک که «قیم دو نفر صغیر و وکیل کلیه کبار بوده» حضور یافته مطرح کردند «که چون مذاکره صلحی به میان آمده و ممکن است بدون محاکمه این گفتگو خاتمه داده شود» تشکیل جلسه را به سه‌شنبه سیزدهم شعبان موکول نمایند. وکیل طومانیانس در زیر صورت جلسه تصریح می‌کند که مذاکره صلحی در کار نبوده و «فقط با آقای مخبرالسلطان این‌طور مذاکره شد که به‌طور خصوصی قبلاً یک مجلس مذاکره شود» و همو در روز ۱۳ شعبان اعلام می‌کند که با مخبرالسلطان «مذاکرات مصلحانه» کرده و قرار است این امر را خاتمه دهند و «در موقع فصل امر نتیجه را به محکمه مبارکه راپورت» خواهد داد.

اما این مذاکرات به جایی نرسید و ناچار وی

«از اینکه امر به مسالمت بگذرد مأیوس شده تعقیب محاکمه و اختتام آن را جداً از محکمه مبارکه استدعا» می‌نماید. «محاکمات وکلای طرفین را به حضور در جلسه روز یکشنبه ۲۲ ربیع الاول ۱۳۳۳ ق. دعوت کرد.

در این جلسه، مخیرالسلطان به اتکای مفاد سند مطرح شده از سوی طومانیان گفت که یا باید بانک شاهنشاهی در این مورد اقامه دعوا کند، و یا طومانیان انتقال‌نامه بدهی از بانک شاهنشاهی به خود را، ارائه نماید و یا اینکه سندی را که در آن تعهدنامه، مورد اشاره صنایع‌الدوله بوده ظاهر کنند.

وکیل طومانیان طرح دعوی از سوی موکل خود را در این مورد تلویحاً کافی دانست و گفت: «حکم این مسئله منوط به نظر محکمه است که اگر مثل دارالتجاره طومانیان تجارتخانه‌ای را در این اظهار تکذیب فرمایند، امر فرمایند که بر صدق مدعای او سندی تحصیل شده به محکمه تقدیم شود.»

سخن آخر مخیرالسلطان این بود که یا باید «آن سندی را که مدرک و تکیه این سند است» به محکمه ارائه دهند و در صورت عدم ارائه «باید این سند را از درجه اعتبار ساقط» بدانند، و یا «بانک شاهنشاهی اقامه دعوا نموده و یا انتقال‌نامه مجددی از بانک شاهنشاهی به طومانیان ارائه دهند.» محکمه قرار گذاشت که هفته بعد جلسه‌ای دیگر تشکیل

شود.

به دلیل گرفتاری آصف دیوان این جلسه تشکیل نشد، و نشست بعدی در تاریخ ۱۵ ربیع‌الثانی برگزار گردید و طی آن وکیل طومانیان انتقال‌نامه قرض از بانک شاهنشاهی به تجارتخانه مذکور و مصالحه‌نامه مورخ ۲۵ محرم ۱۳۲۳ صنایع‌الدوله را ارائه نمود و معلوم شد که «سه دانگ از کل شش دانگ از یک قطعه باغ واقع در خارج دروازه دولت که عرصه آن بر حسب ذرع مضروب به هشتاد هزار ذرع تحدید شده به عوض مبلغ شش هزار تومان» از سوی صنایع‌الدوله به تجارتخانه طومانیان واگذار شده است.

وکیل ورثه اعلام نمود که سند اصلی همان مصالحه‌نامه باغ است و از ۲۵ محرم ۱۳۲۶ به این طرف به کرات «چه خود مرحوم صنایع‌الدوله و چه بعد از وفاتشان وراثت آن مرحوم به طومانیان اظهار کرده‌اند و به آقای سعدالدوله که واسطه بوده‌اند که بیابند و سه دانگ خودشان را مفروز بکنند و تا امروز مفروز نشده، حال طومانیان باید قیمت آبی که از ۲۵ محرم ۱۳۲۶ تا امروز به باغ مذکور داده شده است، بدهند و سهم خودشان را ببرند.»

وکیل طومانیان استدلال می‌کرد که سند اول باطل و سند دوم مبنی بر بسدهی



شش هزار و نهصد تومان به طومانیان صحیح است، و ورثه می‌بایست افزون بر پرداخت تمام این مبلغ، فرع آن را هم بپردازند. این استدلال مورد تأیید مخیرالسلطان قرار نگرفت و او بر شرعی بودن معامله نخست تکیه کرد و پاسخ دو نفر از مجتهدین شهر به پرسش مفروز را ارائه داد که حکم بر درستی معامله اول کرده بودند، و ادعا نمود سندی در دست دارد که طومانیان تا دو سال پیش «حاضر شده بود باغ را مفروز نموده تصرف نماید» و چون دید که «شرعاً و عرفاً» باید قیمت آب را بپردازد «پشیمان شد و سند دوم را به محکمه اظهار نمود.» وی سرانجام درخواست کرد که محکمه مصدقی را تعیین نموده سهم طومانیان از باغ را مشخص کرده به وی بدهند، و قیمت آب را گرفته به ورثه صنایع‌الدوله بپردازند.

متن استفتائاتی که مخیرالسلطان به محکمه ارائه داد این است:

«حجة الاسلام، زید ملکی را به مصالحه شرعیه لازمه به عمر و منتقل نمود به مال‌المصالحه معینه مأخوذه به شرح ورقه مصالحه‌نامه؛ چند ماه بعد از انقضاء مدت خیار نوشته جداگانه هم به عمرو داده که عبارت آن عیناً درج می‌شود: مبلغ فلان از بابت سندی که به تاریخ فلان (که مطابق با تاریخ مصالحه‌نامه مزبوره است) به فلان سپرده شده و در این سند پس از ادای فرع یکساله تجدید شده است، بر عهده این جانب است که در تاریخ فلان در وجه فلان کارسازی نموده این نوشته و سند سابق را هر دو دریافت دارم، و هرگاه قبل از وعده بخواهم کارسازی نمایم باید ماهی تومانی یکصد و بیست و پنج دینار فرع کسر نمایم؛ به تاریخ فلان، و در هامش همان نوشته این عبارت مرقوم شده (که به تاریخ فلان معامله مشروحه متن تجدید شد به این معنی که مبلغ فلان بر ذمه این جانب است که در تاریخ فلان باید تسلیم فلان نموده این سند و سند دیگر خود را دریافت دارم) آیا عمرو شرعاً حق مطالبه مال‌المصالحه ملک مزبور را که عیناً وجه همان نوشته جداگانه است، به موجب این نوشته از زید مصالحه [دارد]؟<sup>۶۷</sup> و این نوشته جداگانه که زید به شرح مسطور متناً و هامشاً به عمرو داده موجب اشتغال ذمه زید به عمرو به معادل مال‌المصالحه مزبوره خواهد شد، یا ترتیب اثری بر این نوشته داده نمی‌شود و عمرو مالک همان ملک مصالحه عتبه است و حق مطالبه مال‌المصالحه را از زید نخواهد داشت. مستدعی است حکم الله را مرقوم و مزین فرمایند.

زیاده‌ادام الله ظلکم العالی.»  
سید محمد بهبهانی در پاسخ به این پرسش نوشته است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، در صورت وقوع مصالحه خیاریه ملک مورد صلح به ملکیت متصلح برقرار می‌شود، و مادام که آن مصالحه برقرار است و فسخ نشده است متصلح پولی از مصالح طلبکار نیست که بتواند مطالبه نماید، و آن نوشته که به عنوان سند به متصلح سپرده شده است اگرچه خالی از تهاقت و تناقض نیست ولی چون مشتمل بر تجدید مصالحه خیاریه است معلوم می‌شود که آن فقره دیگر که عبارت از التزام به اداء وجه و تعهد نقد ناشی از یک خیالی عامیانه است که به بر بیع شرط‌ها ترتیب اثر قرض می‌دهد و اعتقادشان این است که مصالح یا بایع هنوز مشغول الذمه است نسبت به مشتری یا متصلح به نحوکان [؟] به نظر قاصر حقیر محملی از برای این سند جز این توهمات عامیانه نیست، و در صورت وقوع و تجدید مصالحه خیاریه متصلح مالک ملک است و حق مطالبه پولی ندارد، والله العالم بحقائق الامور. حرره الاحقر [نقش مهر بیضی شکل]:

الراجی محمد بن عبدالله الموسوی.

و سید کمال الدین موسوی بهبهانی چنین اظهار نظر کرده است: «در صورت معروضه چون معامله اولیه بر وجه شرعی واقع شده مصالح عند الملک متصلح است و برای مصالح حقی نیست و قرارداد ثانی چون بر وجه شرعی نیست ترتیب اثر بر آن نمی‌شود شرعاً. والله العالم بحقیقه الحال حرره الاحقر الجانی کمال الدین الموسوی بهبهانی»<sup>۶۸</sup>

مخبر السلطان طی نامه‌ای دیگر به محاکمات اولاً صلاحیت آن محکمه برای رسیدگی به این دعوی مالی را با اقامه این دلایل رد می‌کند:

۱. اصل مسئله مربوط به سعدالدوله است و طومانیان پولی به صنیع الدوله نداده است.

۲. این ادعا مربوط به میت است و پس از ثبوت «قسم هم باید یاد بشود»، و می‌خواهد که رسیدگی به این دعوی یا به عدلیه و یا به محضر شرع ارجاع گردد و ثانیاً پاسخ استفتا از امام جمعه تهران را هم می‌فرستد که همان پرسش را با جزئیات بیشتر طرح کرده‌اند و چنین پاسخ گرفته‌اند: «آنچه مستفاد می‌شود از عبارت سؤال من البدوالی الختم، متصلح حق مطالبه وجه از مصالح ندارد و عین ملک را باید اخذ و تصرف نمود.»

الاحقر محمد بن زین العابدین الحسنی الحینی»<sup>۶۹</sup>

در ۲۲ جمادی الاول ۱۳۳۳ از محاکمات یادداشتی به مخبر السلطان نوشته شد که به دستور وزیر امور خارجه لازم است پیش از صدور رأی قطعی با عمید السلطنه در محاکمات تماس بگیرد تا از عقیده محکمه باخبر شود و اگر اعتراضی دارد، آن را اظهار نماید.<sup>۷۰</sup>

ظاهراً این ملاقات صورت گرفته چراکه

«صبح یکشنبه ۲۵ جمادی الاول» مخبر السلطان نامه‌ای نوشته در خواست تجدید محاکمه کرده به محکمه به سبب آنکه بدون دیدن اسناد ورثه صنیع الدوله «ختم محاکمه را اعلان فرموده‌اند» ایراد می‌گیرد، و به دلیل آنکه در بین ورثه «صغاری» هم وجود داشته‌اند خواستار حضور مدعی العموم می‌شود و اظهار می‌دارد که به نظر وی طومانیان اساساً پولی به صنیع الدوله نپرداخته است و می‌بایست «به دفتر و روزنامه طومانیان مراجعه» گردد تا معلوم شود آیا پولی رسیده یا خیر و باید «طومانیان قسم هم یاد بکند در صحت معامله و رد وجه از تجارتخانه» خود.

چنین می‌نماید که درخواست وی در مورد دخالت مدعی العموم پذیرفته شده است، چراکه نظر وی طی نامه‌ای از اداره مدعی عمومی به محکمه حقوق چنین اعلام گردیده که چون صنیع الدوله «در مقابل وجه شش هزار تومان ملک معینی را به بیع قطع به طومانیان انتقال داده و تا موقع انقضای موعده شرط خارجی هم که بین آنها بوده وجه را تأذیه نکرده است، ملک مزبور مسطوره در قباله حق طلق طومانیان و محکوم به ملکیت متارالیه گردید، و از طرف دیگر بعد از انقضای موعده شرط خارج نوشته علیحده که داده است که مبلغ شش هزار و نهصد تومان از بابت معامله فوق به بانک بدهد و هر دو نوشته خود را دریافت نماید، با اعتراف طومانیان به اینکه از بابت همان معامله فوق الذکر می‌باشد، لذا نوشته ثانوی به هیچ وجه شرعاً و قانوناً موثر نیست و لغو خواهد بود، زیرا پس از انقضای موعده و قطعی شدن معامله ملکی وقتی طومانیان مستحق وجه مزبور می‌شده است که ملک، انتقال به صنیع الدوله یافته باشد و این وجه را از بابت قیمت آن طلبکار شود. چون ملک به ملکیت طومانیان باقی مانده و انتقال به مرحوم صنیع الدوله نیافته است نوشته مزبور اثر قانونی ندارد، مگر آنکه طومانیان بتواند اثبات کند که معامله راجع به عین احاله بر مرحوم صنیع الدوله شده یا به وجه شرعی دیگر معامله مزبوره باطل بوده و در این صورت چون دعوی از عین منصرف شده به میت تعلق خواهد گرفت، فصل قضیه از خصایص محاضر شرعیه خواهد بود»<sup>۷۱</sup>

محاکمات که با اختلاف عقیده بین اعضای خود روبه‌رو شده بود، طی گزارشی به وزیر خارجه ضمن بیان این مطلب که معتمد الممالک رئیس محکمه حقوق تصور می‌کند «حق با اداره طومانیان است و سندی که ثانیاً مرحوم صنیع الدوله داده سند اولیه را باطل نموده و بنابراین وراثت، به موجب سند ثانی، دین مرحوم صنیع الدوله را باید بپردازند و

از طرف دیگر آقای میرزا احمدخان مدعی العموم که به ملاحظه طرفیت صفار آن مرحوم باید در این موضوع رأی بدهند عقیده دارند که، بر طبق فتاوی آقایان امام جمعه و آقا سید محمد بهبهانی و آقا سید کمال الدین، چون معامله اولیه قطعی است و مرحوم صنیع الدوله ملک را به خود منتقل نکرده‌اند عین ملک متعلق به طومانیان است و ابتدا سند ثانی، سند اولیه را که شرعی است نمی‌تواند باطل سازد، گزارش دهنده این نکته را هم افزود که «بعد از تحقیقات زیاد با عقیده ثانی موافقت دارد ولی برای مزید احتیاط و رفع و قطع شکایات تصور می‌کند اگر اجازه فرمایند محکمه تسویه این کار را به یکی از عدول مجتهدین مرضی الطرفین رجوع نماید تا به هر قسم حکم شرعی صادر شد معمول شود.»

دستور وزیر امور خارجه در حاشیه این گزارش چنین است: «با این تفصیل سند ثانوی مبطل سند اولی نمی‌شود اگر طومانیان به سند اول متقاعد نمی‌شود به شرع ارجاع شود.»

برای اجرای این رهنمود، در نخستین روز ماه رجب از محاکمات به ورثه صنیع الدوله و تجارتخانه طومانیان اعلام شد، «مقرر است که در محضر شرع مرضی الطرفین ختم گفتگو بشود» و لازم است بر سر محضر شرع توافق نموده «بدانجا مراجعه نمایند»<sup>۷۲</sup> این نظر با مخالفت مقامات قنصلگری روس روبرو شد و در ۱۳ رجب ۱۳۳۳ طی یادداشتی از قنصلگری به محاکمات نوشتند که «چون هم‌نجه قراردادی در آن اداره محترمه با اطلاع نماینده جنرال قنصلگری امپراطوری داده نشده و به علاوه تجارتخانه طومانیان سند کافی در دست دارد، لذا دوستدار رضایت نمی‌دهد که این فقره ارجاع به شرع بشود و لازم است که معمولاً در آن اداره محترمه رسیدگی و احقاق بشود.»

در محاکمات دستور داده شد که پاسخ این نامه را چنین ارائه دهند که «نظر به اینکه در این موضوع بین اداره مدعی العمومی و آقای معتمد الممالک اختلاف نظر بود و اداره مذکور به ملاحظه فتاوی علما معتقد بود حقیقاً عین مبیع خود را طومانیان دریافت دارد، به استحضار مقام وزارت، تسویه این کار موکول به محضر شرع شد و به علاوه لازم است خاطر محترم را تصدیق داد اصل معامله متعلق به جناب آقای سعدالدوله است و به اداره طومانیان مربوط نیست.»

در ۱۹ رجب ۱۳۳۳ سعدالدوله در نامه‌ای به وزیر امور خارجه نسبت به ارجاع دعوا به محاضر شرع اعتراض کرده، نخست می‌نویسد: «اگرچه جواب رسمی این فقرات راجع به وکیل طومانیان و جنرال قنصلگری روس می‌باشد،

چون مخلص ضامن این وجه بوده اطلاعات خود را لزوماً به عرض عالی می‌رساند تا با اعتراضات مدعی العموم مقایسه فرمائید»، سپس ماجرای گرفتن قرض را به شرح باز می‌گوید. بنا به نوشته وی، در ماه محرم سال ۱۳۲۳ ق. صنایع الدوله پولی از او «به طور استقراض» خواست. سعدالدوله پولی نداشت اما چون «خواست مساعدتی با آن مرحوم کرده باشد» با طومانیانس وارد مذاکره شد، که سرانجام مبلغ شش هزار تومان به ضمانت وی به صنایع الدوله وام داد و «چهل هزار ذرع باغ از هشتاد هزار ذرعی که در قباله ذکر شده ببع گرفت» موعد ادای وام فرا رسید «صنایع الدوله در ادای قرض خود مسامحه نمود. طومانیانس خواست مبیع را تصرف نماید و مرحوم مزبور نیز حاضر شد» دو معمار یکی از طرف صنایع الدوله و یکی از طرف سعدالدوله «برای مفروز کردن چهل هزار ذرع زمین مأمور گردیدند» و در حضور سعدالدوله ملک طومانیانس را مشخص کرده «سنگ چین کردند که دیوار کشیده مفروز گردد»، لیکن همینکه بنای دیوارکشی شد صنایع الدوله پشیمان گردید چرا که طلب طومانیانس بیش از شش هزار و نهصد تومان نبود و «اراضی هم به این مبلغ‌ها بلکه بیشتر ارزش داشت» پس «خواهش نمود که معامله ملکی تبدیل به نقدی شده و نوشته ثانوی را در عوض آن بدهد».

بر بنیاد این توضیحات، وی بر این باور است که معامله دوم معامله اول را فسخ می‌نماید. دیگر دلایل او در این مورد که معامله ملکی به معامله نقدی تبدیل شده اینهاست:

«اولاً در نوشته ثانوی» قید شده که «بعد از پرداختن اصل و فرع طلب» دو سندی که در نزد طومانیانس است باید برگردانده شود.

ثانیاً صنایع الدوله دیوار «در حاشیه سند معامله ثانی را تجدید و هر دو دفعه فرع آن را به توسط بانک شاهنشاهی پرداخته است.

ثالثاً اگر ورثه مرحوم مزبور را مدیون وجه نقد نمی‌دانستند برای چه مکرر واسطه می‌انداختند»، و توضیح می‌دهد که وقتی در «فرنگ» بوده، «ورثه، جناب شیخ الاسلام را نزد وحدالدوله فرستاده بودند که چون وجه نقدی در بساط نیست و طومانیانس به سختی مطالبه طلب خود را می‌نماید، از خانه و باغ شهری به قیمت درآورده بدهند. گفتگو سر کم و کسر کردن فرع پول و قیمت ابنیه بود» که او از فرنگ مراجعت نموده است. بعد از آن هم چندین بار واسطه فرستاده‌اند که «معادل اصل و فرع طلب تجارتخانه از باغ و عمارات شهری ورثه که عمارت اندرونی جنابان مخیر السلطنه و مخیر الملک و طوبله بهارند و قسمتی از باغ که مرحوم صنایع الدوله نیز سهم بوده است،

در عوض طلب تجارتخانه واگذار و مابقی را دستی نقد بگیرند» و چندین روز معمار وی و معمار ورثه «مشغول تقویم محل‌های سابق الذکر بودند».

سعدالدوله از اینکه محاکمات از همان آغاز «تفکیک دعوا» نکرده و حل و فصل مسئله را به محاضر شرع واگذار ننموده و نیز از اینکه «رئیس محاکمات ملتفت نیستند که دعاوی تبعه خارجه را وقتی می‌توان رجوع به شرع نمود که سندی در دست نباشد» اظهار تأسف کرده می‌افزاید، اگر «به خیال دوستی با فامیل صنایع الدوله اینطور رفتار می‌نمایند یقین بدانند نهایت دشمنی است که در حق بیچاره ورثه می‌کنند، زیرا آنها را به بدحسابی و دغلی معروف می‌کنند که من بعد هم زندگی بر آنها سخت خواهد شد؛ و نتیجه می‌گیرد که با این «دلایل و توضیحات» جای تردید و تحمل نیست و «حکم حقانیت» این کار باید صادر شود و اختلاف نظر اعضای محاکمات «در موضوع یک همچو مطلب واضح» به مدعی و مدعی علیه مربوط نیست.

روز سوم شعبان ۱۳۲۳ جنرال قونسول روس که پاسخ دوستانه و غیررسمی محاکمات به نامه ۱۳ رجب خود را دریافت داشته می‌نویسد، از اینکه رئیس محاکمات اعلام کرده به دلیل اختلاف نظر بین مدعی العمومی و محکمه حقوق، حل و فصل دعوا به محضر شرع ارجاع شده و «اصل معامله» هم مربوط به سعدالدوله است «تعجب حاصل» کرده، زیرا به موجب «اسناد صحیح» بدهی ورثه صنایع الدوله به تجارتخانه طومانیانس «هیچ محل شک و ریب نیست» و قونسولگری روس «معذور است از اینکه این عمل را قابل محضر شرع دانسته با کمال جدیت بمتنی است به طوری که تقاضا شده است در مورد طلب تجارتخانه اقدام سریعا ۲۴ فرموده از نتیجه اقدام خودتان هرچه زودتر دستدار را قرین استحضار فرمائید که به عهده تعویق نماند». در ذیل این نامه رئیس محاکمات به محکمه حقوق نوشته که رسیدگی به کار طومانیانس در محاکمات بدون اطلاع و حضور نماینده قونسولگری برخلاف قرار داده بوده «و با اینکه این ترتیب محل اعتراض مجلس است چگونه می‌توان دخالت ژنرال قونسولگری را در این کارها قبول نمود»، و می‌خواهد که به وکیل تجارتخانه بفهمانند «این اقدامات برخلاف قرارداد سابقه بوده ۲۵ و سزاوار نیست به ژنرال قونسولگری در کارهای خودشان مراجعه نمایند»، اما ظاهراً این توصیه انجام یا پذیرفته نشده است، چرا که از آن پس در تاریخهای ۱۷ شعبان، ۲۹ رمضان، ششم، سیزدهم و بیست و یکم شوال نامه‌های پیگیری قونسولگری روس به

دیوان محاکمات فرستاده می‌شود، و کار به آنجا می‌رسد که در نامه ۲۱ شوال از محاکمات خواسته می‌شود نتیجه اقدامی را که «در موضوع عمل طومانیانس و آقای سعدالدوله و ورثه صنایع الدوله فرموده‌اند، فوراً جواب مرقوم فرمایند»، و قونسول به خط خود می‌افزاید: «تجدید خواهش است که مرقوم فرمائید که به چه لسان باید به آن اداره محترمه در این خصوص از جنرال قونسولگری مراسله فرستاده شود که به توان در انتظار جواب باقی ماند.»<sup>۲۶</sup>

محاکمات به دو دلیل پاسخ رسمی به قونسولگری روس نمی‌داد: یکی اینکه این دعوا اصلاً به صنایع الدوله مربوط نبود. بلکه «مطابق اطلاعات حاصله اصل وجه متعلق به جناب آقای سعدالدوله بوده و اگر به نظر آن ژنرال قونسولگری محترم طور دیگری جلوه داده باشند امری است علیحده»،<sup>۲۷</sup> دیگر آنکه محاکمات «به طور خصوصی و من غیررسم» در این مورد دخالت کرده بود و نمی‌توانست پاسخ رسمی دهد، و همین نکته به قونسولگری اعلام شد که «در جواب یادداشت‌های محترمه راجع به عمل وارث مرحوم صنایع الدوله و مسیوالکساندرخان قطع نظر از حقیقت امر، لازم است خاطر اولیای آن ژنرال قونسولگری را مستحضر سازد که کلیه کارهای مسیوالکساندرخان در عدلیه اعظم نسویه می‌شود، و اگر گاهی از اوقات محاکمات مداخله می‌کند من غیررسم است و به این جهت نمی‌تواند رسماً در این کار مداخله نماید».<sup>۲۸</sup> این پاسخ از سوی رئیس محاکمات در نامه‌ای خصوصی به قونسولگری روس نوشته شد و چون این پاسخ به قونسولگری رسید در تاریخ ۱۲ ذیقعد از قونسولگری به محاکمات نوشتند این نکته که «چون تجارتخانه طومانیانس را اداره ایرانی می‌شناسند» و حل و فصل این امر باید به، عدلیه واگذار شود «مایه بسی تعجب گردید». چرا که این تجارتخانه «در ثبت دفاتر دولتی روس و در شمار تجارتخانه‌های روسی محسوب است و به هیچ وجه تجارتخانه ایرانی تاکنون نبوده و نیست، و اگر در اینباره کسی اظهاری نموده سهو [و] اشتباه است» و مجدداً خواهان فیصله یافتن این دعوا و اعلام نتیجه می‌شوند.

چنانکه نوشتیم از حکم نهایی محاکمات در مورد این دعوی بی‌خبریم، ظاهراً به عدلیه ارجاع شده است چرا که در سال ۱۳۴۰ ق. سعدالدوله نامه‌ای به محاکمات نوشت، و شیخ عیسی مولانا را به عنوان وکیل خود معرفی نمود و خواست که سوادچند فقره نوشتجاتی که در دوسیه طومانیانس راجع به معامله مرحوم صنایع الدوله ضبط است... نوشته و مصدق نموده به ایشان بدهند که در عدلیه لازم شده است»، و بنا شد سواد استفتا (۳ برگ) و سواد نامه مدعی العموم

(ابریگ) و رایزرت محاکمات به مقام وزارت و دستور وزیر که ارجاع به شرع شود (ابریگ) به وی داده شود، و اندک زمانی بعد (۲ رمضان ۱۳۴۰) از دیوانخانه عدلیه نامه‌ای به محاکمات نوشته شد که برای بررسی شکایت حاج مخیر السلطنه از سعدالدوله لازم است پرونده طومانیاس و ورثه صنیع الدوله دیده شود و خواستند که این پرونده برای مراجعه و ملاحظه محکمه ارسال شود. یکی از آخرین اسناد این پرونده، نامه سعدالدوله در ۷ رجب ۱۳۴۳ است که نصر الممالک عظیمی را به محاکمات معرفی کرده و خواسته تا از اسناد، سواد مصدق به وی بدهند و آخرین نامه مربوط به امان الله هدایت پسر بزرگ صنیع الدوله و مخیر الملک است که در ۲۴ ربیع الاول ۱۳۴۴ ق. امان الله خان شهاب الممالک را معرفی کرده از محاکمات همان درخواست را می‌نماید.



## مصالحه نامه صنیع الدوله و طومانیاس

بسم الله الرحمن الرحيم

چون جناب جلال‌التماب اجل عالی آقای مرتضی قلیخان صنیع الدوله اقباله‌العالی سه دانگ مشاع از کل شش دانگ قطعه باغ ملکی متصرفی واقع در خارج دروازه دولت دار الخلافه طهران محدود به حدود ذیل السطر: جنوب به خیابان خاص، شمالی: به مسیل، شرقی: به زمین جناب مستاجر، غربی: به اراضی مستاجر معظم را با كافة ضمایم و علایق شرعیه بقدر الحاصه السابقه که زمین آن بر حسب مساحت هشتاد هزار ذرع است منتقل و مصالح صحیحه شرعیه نمود به عالیجاه مجددت همراه عمده‌التجار طومانیاسهای مسیحی بعوض مبلغ شش هزار تومان وجه زمین مأخوذ با اسقاط خیارات و الزام بغرامات،

بشرحیکه در نوشته معتبره علیحده مسطور است، لهذا در همین تاریخ با جاره شرعیه داد عالیجاه عمده‌التجار طومانیاسهای مسطوره فوق بجناب اجل آقای صنیع الدوله دام اقباله‌العالی تمامی سه دانگ از قطعه باغ محدوده فوق را با كافة تعلقات شرعیه به همانطوری که از ایشان منتقل به موجد گردید با كافة ضمایم شرعیه به هرجهت در مدت یکسال کامل‌الشهور متوالی هلالی از تاریخ ذیل به عوض مبلغ نهصدتومان وجه زمین موصوف که در آخر مدت بدهد، و بر مراتب مسطوره صیغه جاری شد و در ضمن عقد خارج لازم شرط شد وکاله لازمه برای جناب اجل آقای صنیع الدوله و خود موجد ملتزم است که هرگاه از حال لغایت یکسال کامل مبلغ شش هزار تومان زمین موصوف بانضمام مال الاجاره تا آن تاریخ را از مال خود حاضر نموده تسلیم موجد مسطور یا وکیل شرعی ایشان نمایند، حسب التوکیل تمامی سه دانگ از قطعه باغ مسطوره را مأذوناً فی التوکیل الغیر منتقل به خود نمایند و مالک شوند و هکذا شرط شد وکاله لازمه برای جناب اجل آقای صنیع الدوله در صورتیکه در بین مدت یکسال اینعمل بهمین ترتیب صورت بدهند، و سه دانگ قطعه باغ را به خود منتقل کنند حسب التوکیل مال الاجاره تا تاریخ انتقال را بدهند بگماشتگان موجد و از باقی مال الاجاره از قرار ماهی هفتاد و پنج تومان بالنسبه باقی مدت ذمه خود را بری نمایند و صیغه جاری شد و کان ذلک فی تاریخ بیست و پنجم شهر محرم الحرام ۱۳۲۳. [حاشیه]: ۱. وقعما فیه حسبما فصل فی ۲۵ شهر محرم الحرام لذلک فضل الله التوری ۱۳۲۳. نقش مهر مربع شکل: ذلک فضل الله بونه من یشاء.

۲. وقعما فیه حسبما فصل و سطر عندی الاقل حرره عبده احمدین محمدولی  
۳. امضای طومانیاس.  
پشت صفحه: ۱- ثبت شد. ۲- بر حسب اظهار آقای میرزا عبدالله خان در این دوسیه ضبط شد.  
۱۷ صفر ۳۵

محاکمات به صنیع الدوله، نمره ۱۰۹۸ مورخ ۲ جمادی الاول ۱۳۲۸. شماره تنظیم سایر اسناد نیز همان است.  
۶. صنیع الدوله به محاکمات، بدون نمره، طهران ۶ شهر جمادی الاول ۱۳۲۸  
۷. شماره ثبت این نامه در محاکمات ۱۱۷۲ و تاریخ دریافت آن ۷ جمادی الاول ۱۳۲۸ است.  
۸. دایره کابینه اداره نظمی به وزارت جلیله امور خارجه، نمره ۸۳۲۹ مورخ ۲۶ شهر شعبان مطابق ۹ برج سنبله [شهریور] ۱۳۲۸.  
۹. جوییه محاکمات به اداره نظمی، نمره ۵۹۳ مورخ غره شهر صیام ۱۳۲۸  
۱۰. احمد کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان با سرنوشت گردان و دلبران (تهران، ۱۳۵۷)، ج ۱، ص ۱۳۹  
۱۱. پیشین، ص ۱۵۷.  
۱۲. بنگرید به سمرقاله ایران تحت عنوان «توریا بلای مانوزر» در ایران نو، سال دوم، شماره ۱۰۳، یکشنبه ۲۶ صفر المظفر ۱۳۲۹، ص ۱ و نیز: رئیس‌نیا، حیدر عوامغلی در گذر از طوفان‌ها (تهران، ۱۳۶۰)، صص ۱۸۲-۱۸۷.  
۱۳. رایزرت محاکمات به معاون کل وزارت خارجه، نمره ۸۴۳، تاریخ ۲۴ شهر صیام ۱۳۲۸، (سند شماره ۱).  
۱۴. دایره کابینه «اداره مرکزی کل نظمی و زاندار مری ممالک محروسه» به محاکمات، نمره ۱۰۱۷۶، مورخه ۲۷ شهر رمضان مطابق ۹ برج میزان [مهر] ۱۳۲۸.  
۱۵. محاکمات به مخیر الملک، شماره ۱۹۴۰-۷۹۱۶، جمادی الاول ۱۳۲۹.  
۱۶. محاکمات به مخیر السلطان، نمره ۲۰۰۰، مورخ ۷ جمادی الاول ۱۳۲۹.  
۱۷. در جزء اسناد محاکماتی پرونده محمد قبادوغلی نامه‌ای از محاکمات به مخیر السلطنه هست که طی آن ضمن درخواست حل و فصل طلب قبادوغلی نوشته‌اند: «کراراً در مسئله طلب بانک روسی از مرحوم صنیع الدوله کتبا و شفاهاً خواهش نموده که توجهی در این خصوص فرموده بلکه یک انتهایی به این کار داده شود. وزارت امور خارجه طوری دچار تضییقات شده است که آخرین دفعه اظهار می‌دارند که [هرگاه] تا سه روز دیگر این مسئله ختم نشود به وسیله اقدام مستقیم و انواع سختیها به وصول طلب موفق خواهد شد.»  
محاکمات به مخیر السلطنه، نمره ۸۱۷-۲۲۰۶، مورخ ۲۱ ربیع الاول ۱۳۳۰.  
۱۸. محاکمات به صنیع الدوله، نمره ۲۲۹، مورخ ۲۰ محرم ۱۳۲۹.

۱۹. تاریخ ورود این نامه به «اندیکاتور محاکمات وزارت خارجه»، ۲۷ صفر ۱۳۲۹ و شماره آن ۸۰۳ ثبت شده است.  
۲۰. القاب فرزندان نه گانه صنیع الدوله در وکالت نامه‌ای که در ماه رمضان ۱۳۲۸ ق. برای نوشتن تعرفه حقوق دیوانی به میرزا اغلامرضا داده‌اند اینگونه ذکر شده است: عین الخاقان، معین الخاقان، علی‌قلی خان، حاجی محمدتقی خان، احترام السلطنه، اختر السلطنه، بدیع السلطنه، عفت‌الملوک، کو کبا عظم، و برطبق اسناد دیگر در آن سال امان الله خان عین الخاقان ۲۲ سال، عزت الله خان معین الخاقان ۴۰ سال، علی‌قلی خان ۱۴ سال و محمدتقی خان ۱۰ سال سن داشته‌اند. (اسناد صنیع الدوله، کد ۱۰۳۹۲) و نیز

بنگريد به سند شماره ۲ و سند شماره ۳.

۲۱. اين قرارنامه طی نامه شماره ۵۷۴ مورخ ۱۵ صفر ۱۳۲۹ برای امضای مخبرالملک فرستاده شده بود.
۲۲. محاکمات به مخبرالسلطان، نمره ۶۲۶ مورخ ۱۸ صفر ۱۳۲۹.
۲۳. اين باسخ بر روی کاغذی، با حاشیه سیاه نوشته شده و طی شماره ۶۹۹ به تاریخ ۲۲ صفر ۱۳۲۹ در اندیکاتور محاکمات ثبت گردیده است.
۲۴. محاکمات به قوامالتجار، نمره ۷۰۹، مورخ ۲۲ صفر ۱۳۲۹.
۲۵. محاکمات به وزارت فواید عامه، نمره ۲۹۵۰-۶۸۸ مورخ ۲۲ صفر ۱۳۲۹.
۲۶. محاکمات به مخبرالملک، نمره ۷۶۲ مورخ ۲۶ صفر ۱۳۲۹.
۲۷. محاکمات به وزارت فواید عامه، نمره ۸۰۶ مورخ ۲۸ صفر ۱۳۲۹.
۲۸. وزارت فواید عامه به محاکمات نمره ۱۰۳۴۹ مورخ ۲۹ صفر ۱۳۲۹ به انضمام اصل نامه مسیودوپروک، نامه از طرف وزیر معارف و اوقاف و فواید عامه امضاء شده است.
۲۹. محاکمات به مخبرالسلطان، نمره ۸۸۱، مورخ سلخ شهر صفر ۱۳۲۹.
۳۰. محاکمات به «مسیودرف»، نمره ۸۸۲، مورخ سلخ شهر صفر ۱۳۲۹؛ محاکمات به دوپروک، نمره ۸۸۳، مورخ سلخ شهر صفر ۱۳۲۹.
۳۱. از نوشته حاشیه این اسناد برمی آید که نامه های ارسالی برای مسیودرف و دوپروک می بایست نخست ترجمه شده سپس فرستاده شوند.
۳۲. محاکمات به دوپروک، نمره ۱۰۶۰، مورخ ۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۹.
۳۳. کاغذی که متن و کالت نامه و شهادت شهود بر روی آن نوشته شده و اثرمارک «اعلاءالمان کاغذی، استانبول زیارتی خاطره سی» دارد و تمبریک تومانی باطل شده بر روی آن الصاق گردیده است. نقش مهر بیضی شکل مخبرالملک: محمدقلی ۱۳۲۵ [؟]، نقش مهر بیضی شکل حاج محمدتقی شاهرودی: محمدتقی ۱۳۱۷ و نقش مهر بیضی شکل اعتضادالملک: هدایت قلی ۱۳۱۵ بوده است.
۳۴. بنگريد به: سند شماره ۴.
۳۵. دوپروک به دبیر مخصوص رئیس محاکمات، ۱۵ مارس ۱۹۱۱.
۳۶. بنگريد به: سند شماره ۵.
۳۷. «ورود به اندیکاتور محاکمات وزارت خارجه» به تاریخ ۱۰ شهر جمادی الاول سنه ۱۳۲۹، نمره ۲۰۴۸.
- محاکمات همان روز طی نامه شماره ۲۰۷۶ به قونسول عثمانی نوشت که شنبه ۱۴ جمادی الاول «به واسطه وفات حضرت زهرا سلام الله علیها» وزارت امور خارجه تعطیل است و روز یکشنبه به محاکمات مراجعه کند.
۳۸. این جلسه که مخبرالسلطان نیز در آن حضور داشت روز ۱۲ جمادی الاول ۱۳۲۹ قی. برگزار می شود.
۳۹. دوپروک به اکرامالملک نوشته بود به دلیل اشتغال خود به انجام خدمتی دیگر، فعلاً نمی تواند به این مأموریت برود.

۴۰. محاکمات به وزارت فواید عامه، نمره ۳۹۴۱-۲۰۵۰۶ مورخ ۶ شهر شوال ۱۳۲۹ و پیگیری آن طی نامه شماره ۳۹۹۱ مورخ ۱۰ شهر شوال ۱۳۲۹.
۴۱. وزارت فواید عامه به محاکمات، نمره ۱۰۷۴ مورخ ۱۱ شوال ۱۳۲۹ ظاهراً او همان مهندس عبدالرزاق بغایری (۱۲۸۶-۱۳۷۲ق) است. برای آگاهی از شرح حال وی بنگريد به: مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری (تهران، ۱۳۷۱)، ج ۶، صص ۱۴۰-۱۴۱.
۴۲. این پس از ارسال دو نامه از محاکمات به خزانه داری کل است که می خواهند هرچه زودتر دوپروک را به محاکمات بفرستند تا به پس قلعه اعزام شود.
۴۳. محاکمات به مسیودوپروک، نمره ۲۵۰۶-۲۲۷۵۸ مورخ ۱۱ ذیحجه ۱۳۲۹.
۴۴. این نامه اینگونه امضاء شده است: الفرد دوپروک مهندس کل طرق و شوارع.
۴۵. نامه های پیگیری سفارت عثمانی، در روزهای ۲۱ و ۲۹ ذیحجه نوشته شد.
۴۶. سفارت عثمانی به محاکمات، ۶ محرم ۱۳۳۰.
۴۷. محاکمات به وزیر امور خارجه، نمره ۶۲، مورخ ۱۵ شهر محرم ۱۳۳۰.
۴۸. او در غره محرم ۱۳۳۰ به ریاست محاکمات برگزیده شد و در ۲۸ رمضان ۱۳۳۱ قی. منتظر خدمت گردید. بنگريد به: میرزاهمدی خان محتجن الدوله شقایق و میرزاهاشم خان، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری، به کوشش ایرج افشار (تهران، ۱۳۶۵)، ص ۱۴۰.
۴۹. ابوالقاسم خان مقرب السلطنه در ماه شوال ۱۳۲۹ به ریاست محاکمات رسید و از ۲۴ محرم ۱۳۳۰ عضو کمیسیون استخراج و جمع آوری نوشتجات سرحدی ایران و عثمانی بود. بنگريد به: پیشین، ص ۱۲۹.
۵۰. عبدالله خان معاضدالسلطان از ۲۶ محرم ۱۳۲۹ به ریاست اداره انگلیس رسیده بود. بنگريد به: همان، ص ۱۸۲.
۵۱. نصرالله خان اعتلاءالملک خلعت بری از ۵ ربیع الاول ۱۳۲۹ به مدیریت اداره عثمانی رسید. همان، ص ۲۱۷.
۵۲. حسن خان ظهیرالملک در شوال ۱۳۲۸ به ریاست محاکمات منصوب شد. در سال ۱۳۲۹ منتظر خدمت گردید و از ۵ صفر ۱۳۳۰ به ریاست اداره تحریرات عثمانی رسید. میرزاهاشم خان نوشته است که او در ۲۳ شعبان ۱۳۳۰ ملقب به ظهیرالملک گردید یا توجه به این سند ظاهراً می بایست خطای وی اصلاح گردد. بنگريد به: همان، ص ۱۵۳.
۵۳. میرزاصدق خان اعتلاءالدوله از ۲۶ ذی القعدة ۱۳۲۸ قی. مدیر اداره رمز بود. همان، ص ۱۷۴.
۵۴. برای آگاهی از شرح حال وی که از ذی القعدة ۱۳۲۷ به مدیریت پرسنل منصوب شده بود، بنگريد به: همان، ص ۱۶۶.
۵۵. به نظر می آید تنها آن عده از اعضاء که با محاکمات سروکار داشتند این صورت جلسه را امضاء کرده اند.
۵۶. «سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه» به محاکمات، «عده»، ۴۰-۳۳۶ مورخ ۱۷ شهر صفر ۱۳۳۰.
۵۷. این نامه در تاریخ دوم رمضان به محاکمات داده شده طی شماره ۲۴۱۵ ثبت گردیده است. و در پشت نامه نوشته اند: «اداره محاکمات لازم بفرمائید که اینطور اعتراض

نکنند».

۵۸. بنگريد به: سند شماره ۶.
۵۹. بنگريد به: سند شماره ۷.
۶۰. بنگريد به: سند شماره ۸.
۶۱. بنگريد به: خسرو معتضد، حاج امین الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه گذاری صنعتی در ایران (۱۳۶۶خ)، ص ۶۴۶.
۶۲. قونسولگری روس به محاکمات، نمره ۵۷، مورخ ۷ ربیع الاول ۱۳۲۲/۲۲ یا نوامبر ۱۹۱۴.
۶۳. یادداشت محاکمات، مورخ ۸ ربیع الاول ۱۳۲۲.
۶۴. محاکمات به ورثه صنایع الدوله، نمره ۴۰۹۶ مورخ ۱۴ ربیع الاول ۱۳۲۲.
۶۵. نامه مورخ ۱۸ ربیع الاول ۳۲ مخبرالملک به محاکمات.
۶۶. این نامه تاریخ ندارد ولی به نظر می آید در نخستین ماه های سال ۱۳۳۳ قی. نوشته شده باشد.
۶۷. اصل: نماید.
۶۸. بنگريد به: سند شماره ۹.
۶۹. نقش مهر بیضی شکل: عبده سیدمحمدبن زین العابدین الحسن الحسینی، ۱۳۳۲.
۷۰. یادداشت ضبط شده به جای مینوت، نمره ۱۱۸، مورخ ۲۲ جمادی الاول ۱۳۳۳.
۷۱. اداره مدعی عمومی به «محکمه محترمه حقوقی»، نمره ۶۹۵، مورخه ۳ شهر جمادی الثانی ۱۳۳۳.
۷۲. «رابورت محاکمات به مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه»، نمره ۲۸۷، مورخه ۱۹ جمادی الثانی ۱۳۳۳.
۷۳. محاکمات به وراث مرحوم صنایع الدوله و تجارتخانه طومانیانس، نمره ۵۲۱، مورخ غره شهر رجب ۱۳۳۳.
۷۴. در اصل همین است.
۷۵. ظاهراً اشاره به قرارداد میان محاکمات و تجارتخانه طومانیانس مبنی بر دخالت دوستانه محاکمات در این دعوی است.
۷۶. «جنرال قونسولگری اعلیحضرت امپراطوری کل ممالک روسیه مقیم طهران» به «اداره محترمه محاکمات وزارت جلیله خارجه»، نمره ۶۹۱، به تاریخ ۲۱ شوال ۱۳۳۳ مطابق ۲۰ اوگوست ۱۹۱۵.
۷۷. حاشیه نامه شماره ۵۹۴، مورخ ۲۹ رمضان (۱۳۳۳) قونسولگری روس به محاکمات.
۷۸. حاشیه نامه شماره ۶۲۰ مورخ ۶ شوال ۱۳۳۳ مطابق ۵ اوگوست ۱۹۱۵ قونسولگری روس به محاکمات به خط و امضای عبیدالسلطنه. در زیر نامه یادداشت شده که «جواب از طرف ریاست کل شخصی نوشته شد».





۹۱۵۲

بموجب کوشش تعرفه حقوق در این باب اولیاً تصدیق  
باین سیرت علیاً و غیره

بر حسب این کوشش که در این مورد مصداق داریم

از طرف خود بکالت استیمار بر کرده

که اسناد و حقوق ما را از آن هم تعرفه بوی نام

طیارات او علیاً طاریات این باب است

بر خلاف حق خفا عداوت سواد و غیره

این باب که در سیستم مشرف بهم نام است

حواشی بود در این باب که در سیستم مشرف بهم نام است

در هر مورد که در این باب است

از جانب اولاد  
۱۳۲۸  
محمد احمد







وزارت امور خارجه

اداره دائره

مكتبه قديمه، تهران

مورخه ۱۳۱۶

نمبر

موضوع: ...

...

...

...

...

...

...

...

...

№ II<sup>w</sup>

Ternus den 28/8/10.

Herrn Bergingenieur  
H. v. Wolfliededer  
in Imazade Davoud

Ihren Brief sowie die Proben  
welche Sie gesandt hatten  
habe ich erhalten. Nach den  
Proben zu urtheilen ist das  
Erz nicht sehr reichhaltig  
und dem Antzeine mehr  
enthaltend als alles was  
Kupfererz und Meins Blei-  
erz während Proben welche  
ich früher von A. D. erhielt  
keiner Bleiglanz war.

Es scheint dem nach dass  
 Sie Rechte welche Sie ausge-  
 übt haben noch einigermassen  
 sind welche alle eine  
 längere Schulpflicht haben.  
 Von dem mit diesen Punkten  
 Sie nicht fertig gestellt sind.  
 Welche diesen Umständen  
 vordringend es mir vorkommt  
 jetzt Sie Arbeit zu lassen  
 galle Sie bestimmen wo Sie  
 nachteiligheit der Länder soll  
 gestellt ist und auch die  
 Das Land soll nicht wie  
 man für den Nutzen  
 Quartaus nicht in einem  
 während Sie bestimmt  
 7. D. die und

ist und die nächste besteht  
 die Ma. gleich auf dem Land  
 in Betrachtet alle diese  
 Umständen sollte ich mir  
 es am besten sein die Land  
 nicht anzuweisen und dann  
 die Rechte von 7. D. nach dem  
 zu treffen und entgegen  
 man stellen die Rechte  
 und vordringend soll die  
 eigentliche Arbeit zu der  
 können also nur nach dem  
 mindlich besprochen habe  
 ganz anders in dem  
 letzten Teil  
 der Land  
 der Land



№ IV Tiferan den 2/10 10

Herrn Ingenieur  
v. Wolfingeder

Bitte lassen Sie sämtliche  
Arbeiten vorüber einstellen  
und kommen Sie selbst  
mit den beiden Arbeit-  
führern Kholi und Shaffi  
in die Stadt.

Samiel Doda

مطالعات فرنگی





۱۳۳۲  
۲۱ خرداد

دست نهم  
 مرقوم جوایز راجع بطلب کارگاه طوبی بکسر  
 لذت در محرم صلیح اول در برف و صمد داد چون حضرت عالی طاعت نمودن را  
 مرقوم در تمبر بود این مصلحت از تقصیر واقع را در در وقت بعد از آنکه بطور است  
 و لذت سال دولت هر چه در حیطه علم بر حقیقت آن برینید تا آینده بزرگ  
 بظهور و در این مجلس وجه لها کجایر کمالات در این مکتب که در این راه

کتابخانه ملی و مطالعات فرهنگی  
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی



هست ماه یا هشت سال مردم پاره را معطر و مخارج زیادی بر آنها دارد نموده و جمع شرعی کنند  
 بآن هم خیر است اما هفت در ریس محاکمات تلفت نیستند و دعا و تسبیح فارغ و اوقاف عقیدان و جمع شرعی نمود  
 در سنه در دست نباشد آبی ریس محاکمات اگر بخواند و ستر تا نماز صبح اودده بطور رفتار نمایند  
 یعنی در آنه نهایت دشمن است در دهنی پاره و در نه کشیده زیرا آنها را به جیبای دروغ معرفی کنند  
 در نه بوم زمره را بر آنها سخت خواهد شد

زادگان خود حضرتان را مرقوم داشته ایم در این باب در ریس محاکمات و در ریس محاکمات برآی آورده ایم و در نه معلوم  
 شده نظر ثانوی نظر بسند ادلی است دارد و باب سبع گویند در جمع کمر از عهد از سوره است تصحیح  
 فنی یا قهر دارد و در سله فخر طریقت و لشکر ریس راجع شرع را با کوزینه در به حضرت ابد و در کتبت  
 باقی آنکه در کوزینه سوره و دشمن است و تکلیف بر سر و بر علی بنه چه حضرت در آنها لشکر نظری در جمع  
 کشیده و سلسله است و در نه در حضرت حضرتان را بر زرد امک توجه کم حیات اینک را در نه

مطالعات فرنگی  
 انسانی







موزه دارالترجمه وزارت امور خارجه بيه

ترجمه کلمات و لغات کشور آذربایجان در لغت نامه مصنف المرحوم مورخه ۱۶ اردیبهشت ۱۹۱۰

فاین جناب امیر ناصر مصنف المرحوم از کلمات و ردیف و لغات کشور آذربایجان در لغت نامه مصنف المرحوم مورخه ۱۶ اردیبهشت ۱۹۱۰

اولاً در لغت نامه مصنف المرحوم عبارتاً بر اینست که ماه از تاریخ انعقاد این کلمات سوره سوره  
محمد امیر ناصر جناب امیر مصنف المرحوم

ثانیاً در لغت نامه مصنف المرحوم هر کلمه را در راجع معنی با و جمع کنند از همین راه  
و عبارتاً بر اینست که در کتب معنی نویسی نامزاده عبد العظیم نظر کنند

ثالثاً در لغت نامه مصنف المرحوم عبارتاً بر اینست که در لغت نامه مصنف المرحوم  
اولاً در لغت نامه مصنف المرحوم عبارتاً بر اینست که در لغت نامه مصنف المرحوم

رابعاً در لغت نامه مصنف المرحوم عبارتاً بر اینست که در لغت نامه مصنف المرحوم  
اولاً در لغت نامه مصنف المرحوم عبارتاً بر اینست که در لغت نامه مصنف المرحوم

پنجماً در لغت نامه مصنف المرحوم عبارتاً بر اینست که در لغت نامه مصنف المرحوم  
اولاً در لغت نامه مصنف المرحوم عبارتاً بر اینست که در لغت نامه مصنف المرحوم